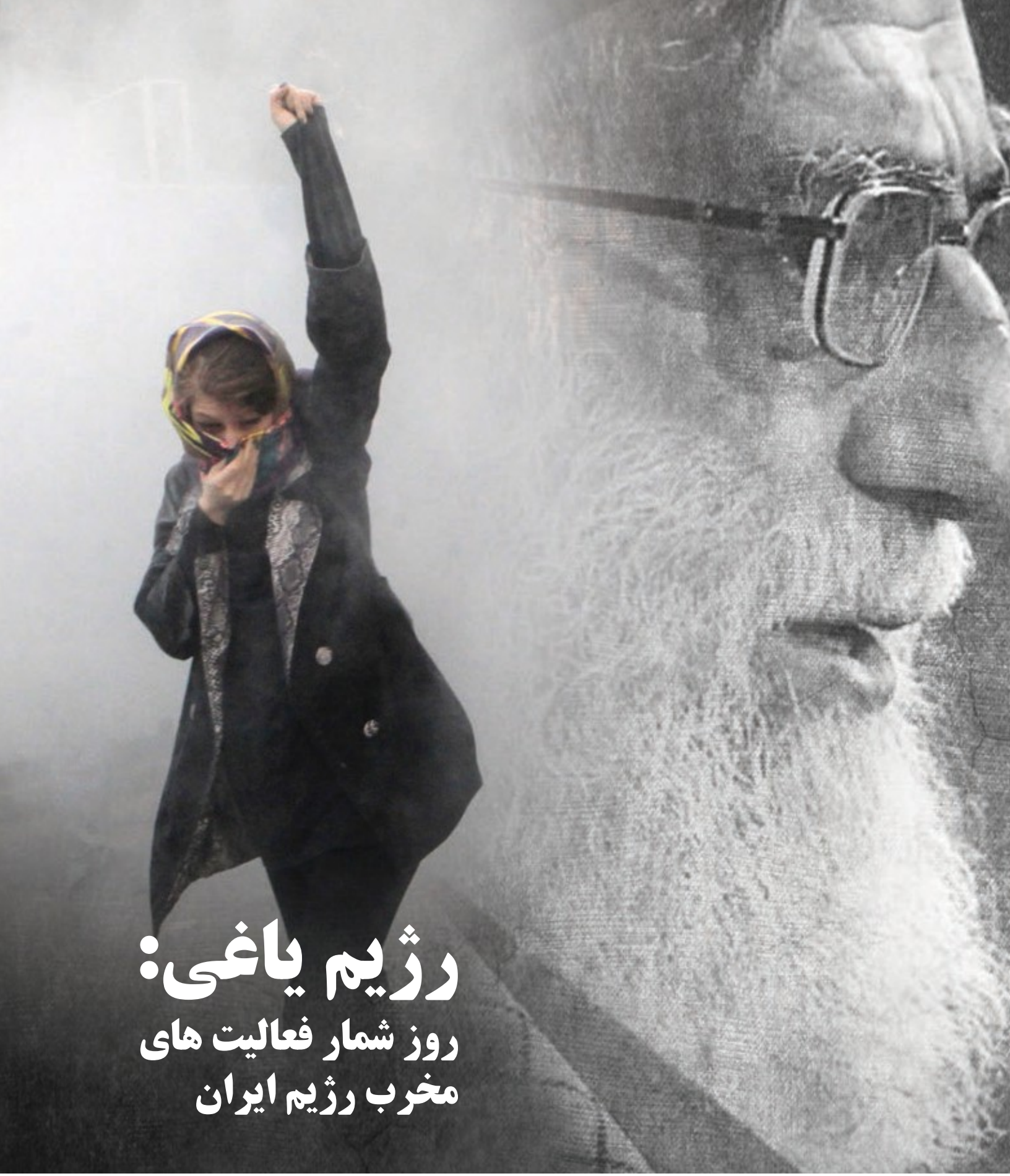

رژیم یاغی:
روز شمار فعالیت های مخرب رژیم ایران

گروه اقدام ایران
وزارت امور خارجه ایالات متحده

«آمریکا گروگان یک باج‌خواهی هسته‌ای نخواهد شد.»

پرزیدنت دونالد جی. ترامپ، مه ۲۰۱۸

پرزیدنت ترامپ با شناسایی تهدیدات فزاینده رژیم ایران، راهبرد تازه‌ای را برای مقابله با طیف گسترده‌ای از اقدامات ویرانگر آن رژیم اعلام کرد.

رژیم یاغی:
روزشمار فعالیت‌های مخرب ایران

۴. نامه‌ای از مایکل آر. پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده

۶. چکیده اجرایی

۸. فصل یکم: پشتیبانی ایران از تروریسم

۱۸. فصل دوم: برنامه موشکی ایران

۲۲. فصل سوم: فعالیت‌های مالی غیرقانونی در ایران

۲۶. فصل چهارم: تهدید امنیت دریانوردی توسط ایران

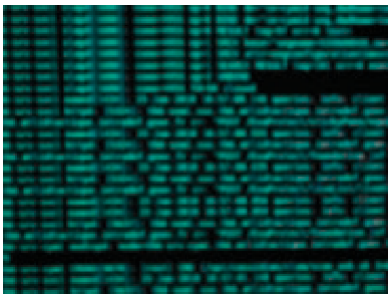

۳۰. فصل پنجم: تهدید امنیت سایبری توسط ایران

۳۴. فصل ششم: موارد نقض حقوق بشر در ایران

۴۰. فصل هفتم: بهره‌برداری نادرست از محیط زیست

نامه‌ای از مایکل آر. پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده

من خوشحالم که گزارش تازه وزارت امور خارجه [ایالات متحده] در رابطه با جزئیات گستره رفتار ویرانگر رژیم ایران در درون و بیرون این کشور را در آستانه چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی منتشر می‌کنم. پرزیدنت دونالد جی. ترامپ در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ تصمیم خود را برای توقف مشارکت ایالات متحده در برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، معروف به توافق ایران، اعلام کرد. ثابت شد که توافق ایران یک شرطبندی راهبردی شکست خورده بود که در محافظت از مردم آمریکا و یا همپیمانان‌مان در برابر تهدید بالقوه یک جنگ‌افزار هسته‌ای ایرانی ناکام ماند. انتشار این خبر تکان‌دهنده که ایران پس از اجرای برجام به طور پنهانی پژوهش‌های گذشته جنگ‌افزارهای هسته‌ای خود را حفظ کرده، بر بیهوده بودن سپردن سرنوشت امنیت بلندمدت‌مان به یک توافق که به سرعت منقضی خواهد شد تاکید کرده است. این در حالی است که پیشنیه طولانی رژیم ایران در تخلف از پیمان منع گسترش و نقض قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره برنامه هسته‌ای این کشور قبل از حصول برجام، خود دلیل کافی برای تامل بود. افزون بر این، برجام آشکارا در تامین صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، آن‌گونه که در این توافق آمده، ناکام بوده است. درست برعکس، تحت این توافق رفتار بی‌ثبات کننده ایران گستاخانه‌تر شده است.

از این رو است که پرزیدنت ترامپ ما را در مسیر تازه‌ای قرار داده است. سیاستی که پرزیدنت ترامپ ترسیم کرده، کاملا با این حقیقت که جمهوری اسلامی ایران یک نظام عادی نیست، مطابقت دارد. حکومت‌های عادی در زمان صلح به سفارتخانه‌ها و تاسیسات نظامی حمله نمی‌کنند؛ به تامین تروریست‌ها و شبه نظامیان نیابتی نمی‌پردازند؛ به عنوان پناهگاه امنی برای تروریست‌ها عمل نمی‌کنند؛ خواهان ویرانی اسرائیل نیستند و کشورهای دیگر را تهدید نمی‌کنند؛ به دیکتاتورهای ددمنش، مانند بشار اسد در سوریه، کمک نمی‌کنند؛ فناوری موشکی را در اختیار نیروهای نیابتی خطرناک‌شان قرار نمی‌دهند؛ در کشورهای دیگر اقدام به ترورهای پنهانی نمی‌کنند؛ و شهروندان کشورهای دیگر را گروگان نمی‌گیرند. حکومت‌های عادی از تروریسم در درون نیروهای مسلح‌شان پشتیبانی نمی‌کنند، و این درست خلاف کاری است که ایران در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آی‌آرجی‌سی) و نیروی قدس آن کرده است. حکومت‌های عادی از سیستم مالی بین‌المللی سوءاستفاده نکرده و از صنعت بازرگانی برای تامین مالی و حمایت از تروریسم استفاده نمی‌کنند. حکومت‌های عادی منابع طبیعی خودشان را غارت نمی‌کنند. حکومت‌های عادی اعتراضات مشروع را با خشونت سرکوب نمی‌کنند، شهروندان خود یا شهروندان کشورهای دیگر را بنا بر اتهامات پوشالی زندانی نمی‌کنند، دست به شکنجه نمی‌زنند، و بر آزادی‌های بنیادین محدودیت‌های شدید وضع نمی‌کنند.

امروز ایالات متحده شرح کاملی از رفتارهای خصمانه جمهوری اسلامی در خارج و سرکوب‌های این رژیم در داخل [ایران] را، ورای تهدید ادامه یافته برنامه هسته‌ای آن رژیم، منتشر می‌کند. این بسیار مهم است که جهان گستره بی‌پروایی و تبهکاری این رژیم را درک کند. این بسیار مهم است که جهان بداند رژیم ایران جنگجویان شیعه را از عراق، افغانستان، و پاکستان آموزش داده و اعزام کرده است تا به [بشار] اسد برای سرکوب غیرنظامیان بیگناه در سوریه کمک کند. این بسیار مهم است که جهان بداند رئیس کل بانک مرکزی ایران برای پشتیبانی از نیروی قدس و حزب‌الله اجازه داده است تا میلیون‌ها دلار از طریق بانک‌ها جابه‌جا شود. این مهم است که جهان بداند صدها دانشگاه در سرتاسر جهان قربانی یک حمله سایبری به رهبری سپاه پاسداران شده‌اند که این به موارد دزدیده شدن مالکیت معنوی انجامیده است. این مهم است که جهان بداند اعدام‌های در ملاء عام، از جمله اعدام کودکان، هنوز در ایران رایج است و شهروندان این کشور مرتبا در معرض محاکمه‌های غیرمنصفانه‌ای قرار می‌گیرند

که در بیشتر موارد، تنها مدارک و مستندات ارائه شده اعترافاتی است که زیر شکنجه گرفته شده است. این مهم است که ما این نکات را بدانیم و به خاطر بسپاریم. جامعه بین‌المللی چنین رفتاری را از هیچ حکومتی برنمی‌تابد و ما نباید ایران را از این قاعده مستثنی کنیم.

بیرون رفتن از یک توافق که به رژیم ایران جایگاهی که شایستگی آن را نداشت داده بود و فعالیت‌های ویرانگر آن را نادیده گرفته بود، تنها یک گام در شناسایی تهدید رژیم ایران و پاسخگو قرار دادن آن است. ما اکنون باید کار دشوار پیگیری اجماع پیش از برجام را آغاز کنیم، و آن این است که: تنها پس از آن که رژیم ایران از ایجاد هرج و مرج در زندگی مردم بی‌گناه خودداری کند، می‌تواند به عنوان یک حکومت عادی در جامعه بین‌المللی پذیرفته شود.

ما با هر کشوری که آماده باشد تا همراه با ما در برابر هرج‌ومرج و ددمنشی که رژیم ایران بر شهروندان خود اعمال می‌کند و آن را در سراسر جهان می‌گستراند بایستد، همکاری خواهیم کرد. ما می‌دانیم که بسیاری از کشورها نیز همان نگرانی‌های ما را دارند و مانند ما آرزومند یک خاورمیانه امن‌تر و باثبات‌تر و نیز یک ایران آزادتر هستند. ما کشورها و کسب‌وکارهای سراسر جهان را تشویق می‌کنیم تا موارد برشمرده در اینجا را بررسی کنند و به این فراخوان برای مقابله مستقیم با چالش ایران، پاسخ مثبت دهند.

ایالات متحده به‌سرعت به پیش می‌رود. در ماه مه ۲۰۱۸ ما دوازده خواسته مشخص را برای رژیم ایران مطرح کردیم. این خواسته‌ها در رابطه با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی آن [رژیم]، حمایت [آن رژیم] از تروریسم، تهدید علیه همسایگانش، و بازداشت غیرمنصفانه شهروندان ایالات متحده و کشورهای دیگر بودند. در حالی که ما به دنبال یک راه حل دیپلماتیک تازه هستیم، تحریم‌ها را با هدف تحمیل فشار مالی شدید بر رژیم ایران مجددا اعمال می‌کنیم. ما، هماهنگ با همپیمانان و شرکایمان، برای جلوگیری از تجاوزات رژیم ایران کار خواهیم کرد. ما به حمایت از مردم ایران ادامه خواهیم داد.

هدف نهایی ما این نیست که ایران تا ابد منزوی بماند. ایران جامعه‌ای با استعدادهای بالقوه بسیار زیاد است. ما می‌خواهیم به توافق تازه‌ای با ایران برسیم که تضمین می کند فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور صلح‌آمیز، و نقش آن کشور در خاورمیانه سازنده است. ما خواهان توافقی هستیم که تضمین می‌کند رژیم ایران از تروریسم در سراسر جهان پشتیبانی نمی‌کند و فرصت بسیار بیشتری را در اختیار مردم خودش قرار می‌دهد. ما آماده‌ایم که با رژیم ایران کار کنیم، اما تنها در صورتی که آن رژیم تغییرات عمده‌ای را اعمال کند.

تا آن زمان، رژیم ایران باید از عزم راسخ ما برای مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده‌اش اطمینان داشته باشد. با توجه به مواردی که امروز منتشر کرده‌ایم، آنها نباید انتظار چیزی کمتر از این را داشته باشند.

مایکل آر. پمپئو
وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا

چکیده اجرایی

AP PHOTO

این گزارش میزان فعالیت‌های ویرانگر جمهوری اسلامی در داخل و خارج از این کشور را ثبت و ضبط می‌کند. بسیاری از فعالیت‌های تشریح شده [در این گزارش] به‌تازگی روی داده‌اند، در حالی که تاریخ وقوع برخی دیگر به نخستین روزهای انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. اما همان‌گونه که در این گزارش به روشنی شرح داده شده است، تنها پای ثابت در این معادله این است که رژیم ایران برای باقی ماندن در قدرت و گسترش ایدئولوژی انقلابی خود از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند.

ابزار اصلی رژیم ایران برای اجرای این ماموریت از سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] تاکنون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آی‌آرجی‌سی) بوده است. سپاه پاسداران نیرومندترین نهاد متمرکز خوشه‌ای در ایران است که کنترل خود را بر بخش بسیار بزرگی از زندگی ایرانیان گسترش داده و تثبیت کرده است. نیروی دریایی سپاه مرتبا آزادی دریانوردی را در خلیج فارس تهدید می‌کند و همزمان نیروی هوافضای سپاه نیز با زیر پا گذاشتن قطعنامه‌های شورای امنیت، مدیریت برنامه موشک‌های بالستیک این کشور را بر عهده دارد. نیروهای زمینی سپاه برای سر پا نگاه داشتن رژیم اسد به بیرون از کشور اعزام شده‌اند و نیروهای شبه‌نظامی بسیج نیز در درون کشور برای تحت نظر قرار دادن شهروندان عادی ایران و اذیت و آزار آنها گسیل می‌شوند. و سرانجام نیروی قدس، بازوی برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آی‌آرجی‌سی-کیواف) پشتیبانی بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی از گروه‌های نیابتی و تروریستی را هدایت می‌کند.

فصل یکم پیشینه طولانی پشتیبانی جمهوری اسلامی از تروریسم، که عمدتا توسط سپاه پاسداران انجام می‌شود، را برمی‌شمارد. رژیم ایران از سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] تاکنون سیاست خود را بر مبنای هدایت، تسهیل، و اجرای فعالانه اقدامات تروریستی در سراسر جهان استوار کرده است. جمهوری اسلامی، برخلاف تقریبا همه کشورهای دیگر جهان، از تروریسم موجود در درون نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود - یعنی نیروی قدس سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و امنیت - پشتیبانی کرده است. امروز نیروی قدس سپاه پاسداران در سرتاسر خاورمیانه فعال است و در پنج قاره از هفت قاره جهان حملات تروریستی را طراحی یا اجرا کرده است. رژیم ایران هرجا که نتوانسته و یا نخواسته مستقیما وارد عمل شود، استادانه از گروه‌های نیابتی تروریستی مانند حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین، تیپ‌های الاشتر بحرین، و کتائب حزب‌الله عراق برای انجام حملات تروریستی استفاده کرده است.

فصل دوم به بررسی تولید موشک‌های بالستیک توسط ایران، که یک تهدید حیاتی برای امنیت منطقه‌ای است، می‌پردازد. ایران بزرگترین نیروی موشک‌های بالستیک خاورمیانه را دارد و به بررسی راه‌های مختلف برای گسترش توانایی‌های خود در زمینه موشک‌های با برد بیشتر ادامه می‌دهد. شورای امنیت سازمان ملل متحد با درک این تهدید، پیشتر برای اعمال محدودیت‌های شدید بر فعالیت‌های ایران در زمینه گسترش [جنگ‌افزارها] تلاش کرده بود. اما این پیشرفت بعد از پذیرش برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۵، که در پرداختن به برنامه موشک‌های بالستیک ایران ناکام بود، با پسرفت روبه‌رو شد. ایران، با توجه به وجود یک نظام ضعیف‌تر منع گسترش برای مهار کردن فعالیت‌های آن به سرپیچی از بازرسی‌های بین‌المللی ادامه داد و بعد از اجرایی شدن برجام نیز سرعت روند پرتاب‌ها و آزمایش‌های موشکی آن رژیم کم نشده است.

فصل سوم به جزئیات فعالیت‌های تامین مالی غیرقانونی جمهوری اسلامی، که صداقت و امنیت نظام مالی جهانی را تضعیف می‌کند، پرداخته است. رژیم ایران برای ارائه پشتیبانی مالی به نیروهای نیابتی خود و نیز

پشتیبانی از گسترش موشک‌های بالستیک و جنگ‌افزارهای دیگرش، بر فعالیت‌های غیرشفاف و جعلی مالی تکیه می‌کند. نیروی قدس سپاه پاسداران در سال گذشته به خاطر استفاده از شرکت‌های صوری برای جابه‌جایی وجوه مالی، تهیه اقلام و فناوری‌های ممنوعه، سوءاستفاده از شبکه‌های تبادل ارز در کشورهای همسایه، و تولید ارزهای جعلی رسوا شده است.

فصل چهارم چشم‌اندازی را از تهدیدی که از سوی رژیم ایران متوجه امنیت دریانوردی در خلیج فارس و دریای سرخ است، ارائه می‌دهد. جمهوری اسلامی بارها تهدیدهایی را نسبت به مداخله در آزادی ناوبری و کشتیرانی بین‌المللی در این مناطق مطرح کرده است. نیروهای دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس در موارد بسیار زیاد به شیوه‌ای غیرایمن و غیرحرفه‌ای به رویارویی با شناورهای دریایی پرداخته‌اند و در کارنامه آنها بازداشت غیرقانونی ملوانان آمریکایی و انگلیسی نیز دیده می‌شود. در دریای سرخ ستیزه‌جویان حوثی مورد حمایت ایران به رزم‌ناوهای نیروهای ائتلاف و کشتی‌های بازرگانی سعودی حمله کرده‌اند. ایران همچنین در انتقال غیرقانونی جنگ‌افزار به مناطق دیگر دست داشته است. برای نمونه مقامات نیجریه‌ای در سال ۲۰۱۰ یک محموله جنگ‌افزار را در یک کشتی بازرگانی ایرانی کشف کردند.

فصل پنجم گسترش رفتارهای شریرانه جمهوری اسلامی در فضای مجازی را مورد بررسی قرار داده است. ایران به گونه‌ای فزاینده اقدام به انجام یک رشته حملات سایبری همراه با تحت نظر قرار دادن و خرابکاری کرده است که این امر بر زیرساخت‌های حساس، نهادهای مالی و بازرگانی، و مؤسسات آموزشی تاثیر گذاشته است. این رژیم همچنین توانایی‌هایی سایبری خود را برای شناسایی و ساکت کردن منتقدانش در داخل کشور، و انتشار کارزارهای ضد اطلاع‌رسانی در خارج از کشور، به کار بسته است.

فصل ششم نقض مکرر و سازگانی حقوق‌بشر توسط جمهوری اسلامی در سرپیچی از قوانین و قواعد بین‌المللی را ثبت و ضبط کرده است. جمهوری اسلامی به اذیت و آزار فعالان جامعه مدنی و منزوی کردن اقلیت‌های قومی و دینی می‌پردازد. این رژیم همچنین شهروندان خود را از مراحل قانونی محروم کرده و در بسیاری موارد حتی معیارهای قضایی خود را نیز رعایت نمی‌کند. زندان‌های رژیم ایران از بابت بدرفتاری و شکنجه بسیار بدنام هستند و به‌کارگیری مجازات اعدام توسط این رژیم بیش از اندازه بوده و افراد زیر سن قانونی را نیز در بر می‌گیرد. جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن در خارج از مرزهای این کشور نیز موارد متعددی از نقض حقوق بشر را مرتکب شده‌اند که از آن جمله می‌توان به هدف قرار دادن غیرنظامیان بیگناه در سوریه و بازداشت‌های خودسرانه سنی‌ها در عراق اشاره کرد.

فصل هفتم فاجعه پایدار و به طور فزاینده‌ای بازگشت‌ناپذیر آسیب‌های زیست‌محیطی به دست رهبران خودخواه جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پی چندین دهه سیاست‌های نادرست کشاورزی و پروژه‌های سدسازی تحت کنترل سپاه پاسداران، ایران اکنون به یک بحران زیست‌محیطی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. ناکامی رژیم ایران در واکنش نشان دادن به شرایط رو به وخامت زیست‌محیطی موجب کاهش چشمگیر منابع آبی ایران شده و میلیون‌ها ایرانی را وادار به مهاجرت کرده است. اما جمهوری اسلامی به جای پرداختن به این مشکلات واقعی، با توسل به زور به کسانی که خواهان اصلاحات هستند واکنش نشان داده است.

فصل یکم

پشتیبانی ایران از تروریسم

۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴ – بوئنوس آیرس، آرژانتین: حزب‌الله لبنان یک بمب را بیرون مرکز همکاری‌های آرژانتین و اسرائیل منفجر کرد. رژیم ایران پشتیبانی تدارکاتی این حمله را، که به کشته شدن ۹۵ تن و زخمی شدن ۲۰ تن دیگر انجامید، بر عهده داشت.

«این شرط بندی که برجام ثبات خاورمیانه را افزایش خواهد داد، شرط بندی بدی برای آمریکا، برای اروپا، برای خاورمیانه، و در واقع برای سراسر جهان بود.»

مایکل آر. پومپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ماه مه ۲۰۱۸

پیش‌گفتار

رژیم ایران از سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] تاکنون سیاست خود را بر مبنای هدایت، تسهیل، و اجرای فعالانه اقدامات تروریستی در سراسر جهان استوار کرده است. جمهوری اسلامی، برخلاف تقریبا همه کشورهای دیگر جهان، از تروریسم موجود در درون نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود پشتیبانی کرده است. رژیم ایران با استفاده از نیروی قدس سپاه پاسداران، که شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، و همچنین وزارت اطلاعات و امنیت، اقدام به اجرای حملات و انجام ترور کرده و از نقشه‌های تروریستی پشتیبانی می‌کند. نیروی قدس سپاه پاسداران سردمدار پشتیبانی رژیم ایران از نیروهای نیابتی و عملیات‌های تروریستی در خارج از ایران است. این سازمان اطمینان می‌یابد که مطابق آن‌چه که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، [زمینه] «تداوم انقلاب در داخل و خارج [این کشور]» به طور کامل اجرا می‌شود. رژیم ایران از عوامل وزارت اطلاعات و امنیت این کشور برای گردآوری اطلاعات و اجرای عملیات‌های پنهانی در خارج از کشور استفاده می‌کند. در یکی از تازه‌ترین موارد، یک مامور وزارت اطلاعات و امنیت ایران در ژوئیه سال ۲۰۱۸ به دست داشتن در یک طرح ترور مخالفان جمهوری اسلامی در پاریس متهم شده است. رژیم ایران هرجا که نتوانسته و یا نخواسته مستقیما وارد عمل شود، استادانه از گروه‌های نیابتی تروریستی برای انجام حملات تروریستی از جانب خود، معمولا با استفاده از ابزارهای غیرمتعارف، استفاده می‌کند. رژیم ایران، برخلاف گروه‌های تروریستی غیرحکومتی مانند داعش، اولویت را به انکارپذیری می‌دهد و به سختی می‌کوشد تا نقش خود را در فعالیت‌های تروریستی پنهان نگاه دارد. اما شواهد و مدارک روشن و آشکار است: رژیم ایران بزرگترین حکومت حامی تروریسم در جهان است.

گروه‌های تروریستی مورد حمایت ایران

رژیم ایران از نیروی قدس سپاه پاسداران خود برای پیشبرد منافعش در خارج از کشور، تامین پوشش برای عملیات‌های اطلاعاتی، و ایجاد بی‌ثباتی در خاورمیانه استفاده می‌کند. رژیم ایران دست داشتن نیروی قدس سپاه پاسداران در درگیری‌های عراق و سوریه را تایید کرده است و نیروی قدس، سازوکار اصلی جمهوری اسلامی برای پرورش گروه های نیابتی تروریستی و پشتیبانی از آنها است. رژیم ایران با استفاده از نیروی قدس سپاه پاسداران از چندین گروه تروریستی تحت تحریم ایالات متحده پشتیبانی می‌کند و به تامین مالی، آموزش، و ارائه جنگ‌افزار و تجهیزات به آنها می‌پردازد. از جمله گروه‌هایی که از سوی رژیم ایران حمایت می‌شوند، حزب‌الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی فلسطین، کتائب حزب‌الله در عراق، و تیپ‌های الاشتر در بحرین هستند. رژیم ایران همچنین بر اساس مستندات موجود، سفر رهبران ارشد برخی از این گروه‌ها به ایران را تسهیل نموده و این کار را اغلب زیر پوشش آموزش‌های دینی انجام داده است.

رژیم ایران علاوه بر این گروه‌های تروریستی تحریم شده از سوی ایالات متحده، به گروه‌های ستیزه‌جوی شیعه در عراق، حوثی‌ها در یمن، و طالبان در افغانستان نیز پشتیبانی تسلیحاتی و مالی ارائه کرده است. این گروه‌ها مسئول اجرای حملات بر ضد نیروهای ایالات متحده و نیروهای ائتلاف، دولت‌های محلی، و نیروهای امنیتی، و همچنین هیات‌های دیپلماتیک حاضر در آن کشورها هستند. هم اکنون هزاران تن که اغلب‌شان شیعیان افغان و پاکستانی هستند، به عنوان جنگجویان خارجی استخدام شده توسط رژیم ایران در سوریه برای سرپا نگه داشتن

جنگجویان حزب‌الله لبنان در جریان یک مراسم در جنوب لبنان رژه می‌روند. AP PHOTO

رژیم بی‌رحم اسد در حال جنگ هستند و به جمهوری اسلامی یک نیروی آماده اعزام بالقوه را ارائه می‌دهند تا این رژیم بتواند آنها را برای بی‌ثبات کردن مناطق دیگر از جمله در جنوب آسیا، اعزام کند.

حزب‌الله لبنان نیرومندترین شریک تروریستی رژیم ایران است. [حزب‌الله] طی چند سال گذشته توانایی‌هایی تروریستی و نظامی خود را که تا نقاط بسیار دوردست نیز قابل گسترش است، به نمایش گذاشته است. بخش اعظم بودجه سالانه گروه حزب‌الله لبنان از طریق پشتیبانی مالی سالانه ایران از این گروه – با رقم سرسام‌آور ۷۰۰ میلیون دلار در سال – تامین می‌شود. در پی حمله موفقیت‌آمیز گروه حزب‌الله در سال ۲۰۱۲ در بلغارستان، طرح‌های تروریستی این گروه در آذربایجان، بولیوی، قبرس، گینه، کویت، نیجریه، پاناما، پرو، تایلند، انگلستان، ایالات متحده، و نقاط دیگر مختل شده است. حزب‌الله طی شش سال گذشته در پنج قاره از هفت قاره جهان اقدام به اجرای حملات تروریستی کرده است.

حزب‌الله پیشرفت چشمگیر توانایی‌های نظامی خود را بیش از هرچیز مدیون رژیم ایران است که از احداث تاسیسات تولید موشک در داخل لبنان و نیز ایجاد سامانه‌های هدایت دقیق برای بزرگترین انبار موشکی این گروه پشتیبانی می‌کند. این‌ها تحولات خطرناکی هستند که احتمال بروز درگیری میان حزب‌الله و اسرائیل را افزایش داده و به تضعیف کردن چشم‌اندازهای صلح در منطقه ادامه می‌دهند. از زمان پایان درگیری اسرائیل با حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ تاکنون، رژیم ایران هزاران راکت با دقت بالا، موشک، و جنگ‌افزارهای کوچک را به حزب‌الله تحویل داده است. حزب‌الله اکنون بیش از یکصدهزار موشک هدایت‌شونده و غیرهدایت‌شونده را در زرادخانه‌اش دارد. جهان همین حالا هم شاهد پیامدهای اقدام رژیم ایران در ارائه توانایی‌های موشک‌های بالستیک مرگبار به نیروهای نیابتی‌اش است. ستیزه‌جویان حوثی یمن تعداد بسیار زیادی موشک‌های بالستیک را به سوی عربستان سعودی پرتاب کرده اند که از آن جمله می‌توان به دو موشک که در ماه مه ۲۰۱۸ به سوی ریاض پرتاب شد، اشاره کرد.

ایران همچنین سالانه در مجموع یکصد میلیون دلار را برای پشتیبانی از گروه‌های تروریستی فلسطینی، از جمله حماس، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین-فرماندهی کل، می‌پردازد. این گروه‌های تروریستی در چندین فقره حملات مرگبار انجام شده از غزه، کرانه باختری [رود اردن]، سوریه، و لبنان، از جمله حملات انجام شده علیه غیرنظامیان اسرائیلی، نیروهای امنیتی مصر در شبه جزیره سینا، و شهروندان آمریکایی دست داشته اند.

رژیم ایران از سال ۲۰۱۲ تاکنون بیش از ۱۶ میلیارد دلار برای سرپا نگاه داشتن رژیم اسد و حمایت از دیگر شرکا و نیروهای نیابتی خود در سوریه، عراق، و یمن هزینه کرده است.

واقعیت: رژیم ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ با تنها ۲۰ هزار دلار کمک از طریق آژانس امداد و اقدام سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی آنها را تنبه کرده است. وزیرامور خارجه پمپئو

حمایت رژیم ایران از نیروهای نیابتی تروریستی فلسطینی منافع راهبردی خود این رژیم را تامین، و همپیمان ما، اسرائیل، را تهدید می‌کند. اما این امر هزینه بسیار سنگینی را نیز برای امنیت و رفاه اقتصادی مردم فلسطین به دنبال دارد. در حالی که این رژیم اولویت را به تامین مالی گروه‌های تروریستی داده است، اما در انجام وظیفه ادعایی خود، یعنی پشتیبانی مستقیم از مردم فلسطین، به‌شدت ناکام بوده است. رژیم ایران طی ده سال گذشته تنها ۲۰ هزار دلار به آژانس امدادرسانی و کار[یابی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک] سازمان ملل متحد (اونروا) کمک کرده است. این رقم در مقایسه با ۳ میلیارد دلاری که ایالات متحده، نزدیک به ۲ میلیارد دلاری که اتحادیه اروپا، و بیش از ۶۰۰ میلیون دلاری که عربستان سعودی در همان دوره به این آژانس پرداختند، بسیار ناچیز است.

رژیم ایران علاوه بر پشتیبانی از گروه‌های نیابتی و تروریستی در خارج از کشور، درون مرزهای خود نیز پذیرای تروریست‌ها است و به این ترتیب به تسهیل فعالیت‌های آنان می‌پردازد. رژیم ایران کماکان به عوامل القاعده اجازه می‌دهد تا در ایران اقامت کنند، و آنها در ایران قادر بوده‌اند تا به جنوب آسیا و سوریه پول و جنگجو بفرستند. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ سه تن از مقامات ارشد القاعده را که در ایران زندگی می‌کردند، شناسایی کرد و تحت تحریم قرار داد. به گفته وزارت خزانه‌داری، رژیم ایران آگاهانه به این اعضای القاعده، از جمله برخی از هواپیماربایان ۱۱ سپتامبر، اجازه داده بود تا در مسیرشان به سوی افغانستان برای آموزش دیدن و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی، از خاک ایران عبور کنند. در حالی که اعضای القاعده از مناطق دیگر بیرون رانده می‌شوند، همه نشانه‌ها حاکی از آن است که آنها همچنان در خاک ایران پناهگاه امنی دارند. در یک گزارش منتشره توسط یک گروه از کارشناسان سازمان ملل در ماه اوت سال ۲۰۱۸، آمده است که: «رهبران القاعده در جمهوری اسلامی ایران توانمندتر شده‌اند.» این گزارش سازمان ملل نتیجه گیری کرده است که این توانمندتر شدن در ایران به رهبری القاعده اجازه می‌دهد تا به گسترش نفوذ خود ادامه دهد.

تاکتیک‌های غیرمتعارف

جمهوری اسلامی در حالی که جنگ‌های خود در خاورمیانه را دنبال می‌کند، بارها به تاکتیک‌های غیرمتعارف جهت حفظ و کمک به نیروهای نیابتی‌اش روی آورده است. این شامل مجبور کردن نیروهای خارجی، استفاده از کودک‌سربازان در جنگ‌ها، و سوءاستفاده از خطوط هوایی غیرنظامی و تجاری برای تسهیل فعالیت‌های نظامی‌اش است.

سپاه پاسداران به منظور افزایش نفوذ خود در خارج از کشور جنگجویان خارجی را استخدام می‌کند. سپاه پاسداران لشکر فاطمیون را از شیعیان افغان و تیپ زینبیون را از شیعیان پاکستان تشکیل داد تا در درگیری‌های منطقه‌ای، از جمله در سوریه، بجنگند. به گزارش مرکز مبارزه با تروریسم وست‌پوینت، بین ده هزار تا دوازده هزار سرباز در لشکر فاطمیون حضور دارند. در همین حال، یک مقام فاطمیون در ایران در ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ اظهار داشت که بیش از دو هزار شبه نظامی در سوریه کشته شده‌اند. یک گزارش ارائه شده توسط بنیاد دفاع از دموکراسی[ها] اشاره کرده است که برخی افغان‌های عضو فاطمیون همچنین برای جنگیدن در کنار حوثی‌ها به

یمن اعزام شده‌اند. دیدبان حقوق بشر اقدام سپاه پاسداران در استخدام کودک‌سربازان برای فاطمیون را ثبت و تقبیح کرده، و شواهدی را به دست آورده است که نشان می‌دهند پناهندگان افغان، که در میان آنها افراد بسیار جوان حتی ۱۴ ساله بوده اند، در حین جنگیدن زیر بیرق این لشکر در سوریه کشته شده‌اند. وزارت امور خارجه ایالات متحده به دنبال یک ارزیابی کامل فعالیت‌های رژیم ایران، این رژیم را برای نخستین بار مشمول قانون جلوگیری از استخدام کودک‌سربازان قرار داده است.

چندین سازمان به ثبت این تاکتیک سپاه پاسداران در وادار کردن پناهندگان افغان برای خدمت به عنوان جنگجویان خارجی ادامه می‌دهند. دیده‌بان حقوق بشر پس از گفت‌وگو با بیست و چند تن از اعضای فاطمیون گزارش داد که «بعضی از آنها گفتند که خود و یا خویشاوندان‌شان مجبور به جنگیدن در سوریه شده بودند و بعدها یا از آن جا گریخته و به یونان رسیده بودند، و یا به خاطر خودداری [از رفتن به سوریه] به افغانستان بازگردانده شده بودند. یک جوان ۱۷ ساله گفت که او بدون این که فرصت خودداری [از جنگیدن] به او داده شود، مجبور شده بود که بجنگد. افراد دیگری نیز گفته‌اند که آنها یا به خاطر اعتقادات مذهبی و یا به خاطر عادی‌سازی وضعیت اقامت‌شان در ایران برای جنگیدن در سوریه در صفوف شبه نظامیان سازمان یافته توسط رژیم ایران داوطلب شده بودند.» در یک مصاحبه نیویورک تایمز با فاطمیون تاکید شده است که از افغان‌ها معمولا به عنوان «موج نخست» جنگجویان استفاده می‌شود که نتیجه آن بالا بودن نرخ تلفات در تیپ‌های آنها بوده است و سپاه پاسداران افراد فاطمیون را «برای جنگیدن در دشوارترین نبردها اعزام می‌کنند.» در حالی که اطلاعات کمتری درباره تیپ زینبیون پاکستان در دست است اما به گزارش بنیاد جیمزتاون، تامین مالی و استخدام این گروه نیز توسط سپاه پاسداران انجام می‌شود. شورای آتلانتیک نیز یادآور شده است که نخستین تلفات گزارش شده زینبیون در حالی روی داد که آنها در میان صفوف گروه‌های شبه‌نظامی شیعه عراقی حضور داشتند. این نشان می‌دهد که سپاه پاسداران احتمالا از جنگجویان پاکستانی اول در عراق استفاده می‌کرده و سپس آن نیروها را به سوریه انتقال داده است.

AP PHOTO

حکومت ایران همچنین از طریق به خدمت گرفتن دسترسی جهانی هوانوردی غیرنظامی و تجاری، رفتار ویرانگراش را صادر می‌کند. هواپیمایی‌های ماهان، کاسپین، معراج، و پویا همگی در رابطه با پشتیبانی از سپاه پاسداران و نیروی قدس و همچنین گروه‌های نیابتی مورد حمایت آن نهادها، متهم شده‌اند. استفاده آشکار از هواپیمایی ماهان برای پشتیبانی نیروهای نیابتی رژیم ایران، ثبات منطقه‌ای و صداقت هوانوردی آزاد و باز را تهدید می‌کند و به همین دلیل است که این نهاد از سال ۲۰۱۱ از سوی دولت ایالات متحده تحریم شده است. هواپیمایی ماهان به جابه‌جایی نیروها، جنگ‌افزارها، تجهیزات، و وجوه مالی نیروی قدس سپاه پاسداران در حمایت از کارزارهای رژیم ایران در خارج از این کشور، متهم شده است. این هواپیمایی پرسنل نیروی قدس سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی آن را به خطوط مقدم جبهه‌های جنگ، از جمله در سوریه، انتقال می‌دهد تا آنها در آنجا آموزش‌های نظامی ببینند و بجنگند. این هواپیمایی همچنین جابه‌جایی اختصاصی مقامات ارشد نیروی قدس، از جمله قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس، را میسر کرده و به این ترتیب به آنها اجازه داده است تا محدودیت‌های مسافرتی اعمال شده توسط سازمان ملل متحد و نیز رویه‌های معمول امنیتی و فهرست مسافران را، که از معیارهای بین‌المللی امنیت هوانوردی هستند، دور بزنند.

طراحی اقدامات تروریستی، ترور افراد، و اجرای حملات در سراسر جهان با حمایت رژیم ایران

اگرچه خاورمیانه داغ دردناک ویرانی‌های ناشی از حمایت رژیم ایران از تروریسم را متحمل شده است، اما تروریسم رژیم حکومتی ایران یک مشکل جهانی است. رژیم ایران از زمان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۷۹ تاکنون در بیش از بیست کشور جهان به طراحی اقدامات تروریستی، ترور افراد، و اجرای حملات پرداخته است و این کار را عمدتا از طریق نیروی قدس سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و امنیت، و همچنین از طریق حزب‌الله لبنان انجام داده است.

فعالیت‌های ایران رو به افزایش است. پس از یک وقفه کوتاه در سال‌های ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی رژیم ایران مداخله فعال خود را در طرح‌ریزی و اجرای حملات تروریستی در سراسر جهان افزایش داده است، به طوری که از سال ۲۰۰۹ تاکنون تعداد بسیار زیادی از عملیات‌های مختلف تروریستی در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا، و آسیا کشف یا مختل شده‌اند. روند پرشتاب این فعالیت‌ها بیانگر آن است که ایران نسبت به به‌کارگیری تروریسم برای دستیابی به اهداف خود متعهد مانده و به توانایی خود برای انجام عملیات در هر نقطه از جهان اطمینان دارد.

اروپا

۲۰۱۸ - بلژیک، فرانسه، آلمان:
مقامات امنیتی در کشورهای بلژیک، فرانسه، و آلمان چندین تن از عناصر عملیاتی رژیم ایران، از جمله یک مقام رسمی دولت ایران، را در جریان نقشه کارگذاری یک بمب برای مختل کردن یک گردهمایی سیاسی در پاریس فرانسه دستگیر کردند.

۲۰۱۶-۲۰۱۸- آلمان:
مقامات امنیتی آلمان خانه‌ها و دفاتر کار ده فرد مظنون به عضویت در نیروی قدس سپاه پاسداران را در اوایل سال ۲۰۱۸ بازرسی کردند. نیروهای امنیتی آلمان در سال ۲۰۱۶ یکی از عوامل نیروی قدس سپاه پاسداران را به دلیل جاسوسی از یکی از سران پیشین یک گروه آلمانی-اسرائیلی و افراد نزدیک به او مجرم شناختند.

۲۰۱۳- بوسنی و هرزگوین:
دو دیپلمات ایرانی که مشخص شده بود افسران اطلاعاتی ایران هستند، به خاطر جاسوسی و ارتباط داشتن با تروریسم [از آن کشور] اخراج شدند.

۲۰۱۲- ترکیه:
چهار تن از عوامل عملیاتی نیروی قدس سپاه پاسداران با هدف حمله به اهداف اسرائیلی وارد ترکیه شدند؛ اما این حمله توسط مقامات ترکیه مختل شد.

ژوئیه ۲۰۱۲- صوفیه، بلغارستان:
یکی از عوامل عملیاتی نیروی قدس سپاه پاسداران به خاطر تحت‌نظر قرار دادن یک کنیسه توسط نیروهای امنیتی بلغارستان بازداشت شد.

۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ – برلین، آلمان:
حزب‌الله لبنان، با پشتیبانی لجستیکی رژیم ایران، با حمله به یک قهوه‌خانه چهار دگراندیش کرد ایرانی را با استفاده از سلاح‌های سبک ترور کردند. چهار تن از عوامل این حمله در سال ۱۹۹۷ محاکمه و محکوم شدند.

۶ اوت ۱۹۹۱ – سورزن، فرانسه:
عوامل رژیم ایران شاهپور بختیار، نخست‌وزیر پیشین ایران را، که رهبری یک جنبش ضد رژیم ایران را بر عهده داشت، ترور کردند. یکی از این عوامل مجرم شناخته شد، اما دو تن دیگر از آنها گریختند.

۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹ – وین، اتریش:
عوامل رژیم ایران با استفاده از پوشش دیپلماتیک رهبر یک گروه دگراندیش کرد ایرانی و دو تن دیگر را ترور کردند.

دسامبر ۱۹۸۵ تا سپتامبر ۱۹۸۶ – پاریس، فرانسه:
حزب‌الله لبنان چند هدف نرم را با بمب منفجر کرد. رژیم ایران پشتیبانی لجستیکی مورد نیاز را ارائه داد و این حمله به کشته شدن دوازده تن و زخمی شدن دست کم بیست تن دیگر انجامید.

۱۴ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۸۵ – آتن، یونان:
حزب‌الله لبنان با پشتیبانی لجستیکی رژیم ایران پرواز شماره ۸۴۷ خطوط هواپیمایی تی‌دبلیوای را ربود و یک غواص نیروی دریایی ایالات متحده را به قتل رساند.

آفریقا

نوامبر ۲۰۱۶- کنیا:
دو تن از عوامل رژیم ایران و راننده کنیایی آنها، که یک کارمند محلی سفارتخانه بود، به خاطر جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با یک اقدام تروریستی پس از تحت نظر قرار دادن سفارت اسرائیل دستگیر و متهم شدند.

۲۰ فوریه ۲۰۱۳ – نیجریه:
سه تن از عوامل رژیم ایران به خاطر طراحی حملاتی علیه اماکن گردشگری و سازمان‌های ایالات متحده و اسرائیل دستگیر شدند. یکی از رهبران این هسته تروریستی در ایران آموزش کار با اسلحه دیده بود.

ژوئن ۲۰۱۲ – نایروبی، کنیا:
دو تن از عوامل نیروی قدس سپاه پاسداران به جرم برنامه‌ریزی برای اجرای حملات با بمب به منافع غرب دستگیر شدند. نیروهای امنیتی ۳۳ پوند مواد منفجره را کشف کردند.

اکتبر ۲۰۱۰ – نیجریه:
نیروهای امنیتی نیجریه یک محموله ایرانی متشکل از موشک، موشک‌انداز، نارنجک، و مهماتی که به مقصد شورشیان در گامبیا و سنگال در حرکت بود را کشف و ضبط کردند.

آمریکای شمالی

۲۰ اوت ۲۰۱۸ – ایالات متحده:
دو تن از عوامل رژیم ایران به اتهام انجام عملیات سری تحت‌نظر قرار دادن تاسیسات اسرائیلی و یهودی در ایالات متحده، و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به تشخیص هویت برخی شهروندان و اتباع ایالات متحده که عضو یک گروه اپوزیسیون مخالف رژیم ایران بودند، متهم شدند.

۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱ – واشنگتن دی سی، ایالات متحده:
نیروی قدس سپاه پاسداران از یک طرح بمب‌گذاری در یک رستوران برای ترور سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده پشتیبانی کرد.

سپتامبر ۲۰۰۹- گلن‌دورا، کالیفرنیا، ایالات متحده:
یکی از عوامل رژیم ایران یک آدمکش را اجیر کرد تا یکی از مخالفان ایرانی – آمریکایی رژیم ایران و از شخصیت‌های شناخته شده رادیویی را ترور کند.

۲۲ ژوئیه ۱۹۸۰ - بتزدا، مریلند، ایالات متحده:
یکی از عوامل رژیم ایران علی اکبر طباطبایی، دیپلمات سابق و تبعیدی ایرانی و از منتقدان صریح آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر پیشین جمهوری اسلامی، را ترور کرد.

آمریکای جنوبی

۸ ژانویه ۲۰۱۵ – مونته‌ویدئو، اروگوئه
یک دیپلمات ارشد ایرانی به دلیل طرح‌ریزی یک حمله در نزدیکی سفارت اسرائیل از آن کشور اخراج شد.

۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴ – بوئنوس آیرس، آرژانتین:
حزب‌الله لبنان یک خودروی بمب‌گذاری شده را در بیرون مرکز همکاری‌های آرژانتین و اسرائیل منفجر کرد. رژیم ایران پشتیبانی لجستیکی این حمله را، که به کشته شدن ۹۵ تن و زخمی شدن ۲۰ تن دیگر انجامید، بر عهده داشت.

۱۷ مارس ۱۹۹۲ - بوئنوس آیرس، آرژانتین:
حزب‌الله لبنان یک خودروی بمب‌گذاری شده را در بیرون سفارت اسرائیل منفجر کرد. ایران پشتیبانی لجستیکی این حمله را، که به کشته شدن ۲۹ تن و زخمی شدن ۲۵۲ تن دیگر انجامید، برعهده داشت.

آسیا

فوریه ۲۰۱۶ – مانیل، فیلیپین:
مقامات امنیتی فیلیپین یک توطئه رژیم ایران برای ربودن یک هواپیمای غیرنظامی عربستان سعودی را خنثی کردند.

۱۳ آوریل ۲۰۱۳ – کاتماندو، نپال:
یک ایرانی که با گذرنامه جعلی اسرائیلی سفر می‌کرد، به خاطر تحت نظر قرار دادن سفارت اسرائیل دستگیر شد.

۱۴ فوریه ۲۰۱۴ – بانکوک، تایلند:
سه تن از عوامل نیروی قدس سپاه پاسداران حملاتی را علیه دیپلمات‌های اسرائیلی در تایلند طراحی کردند؛ اما این افراد در پی منفجر کردن اتفاقی مواد منفجره دستگیر شدند. در این حادثه یکی از عوامل [رژیم ایران] و پنج تن دیگر زخمی شدند.

۱۳ فوریه، ۲۰۱۲ – دهلی نو، هندوستان:
نیروی قدس سپاه پاسداران هدایت یک حمله با بمب علیه دیپلمات‌های اسرائیلی را بر عهده داشت که در نتیجه یک اسرائیلی و سه شهروند هندوستان زخمی شدند.

۱۶ مه، ۲۰۱۱ – کراچی، پاکستان:
عوامل رژیم ایران حسن القحطانی، دیپلمات سعودی، را ترور کردند.

فصل دو

برنامه‌های موشکی رژیم ایران

رژیم ایران در حال شلیک یک فروند موشک بالستیک زمین به زمین دوربرد عماد است.

«شتاب روند پرتاب موشک‌های رژیم ایران پس از روز برجام در ماه ژانویه ۲۰۱۶ کند نشد و ایران همچنان اولویت را به توسعه نیروی موشکی خود داده است. از آن زمان تاکنون رژیم ایران چندین مورد پرتاب موشک‌های بالستیک داشته است.»

برایان اچ.هوک، نماینده ویژه امور ایران، سپتامبر ۲۰۱۸

پیش‌گفتار

تولید و گسترش موشک‌های بالستیک ایران یک تهدید حیاتی برای امنیت منطقه محسوب می‌شود و همچنان به عنوان یک چالش چشمگیر فراروی تلاش‌های جهانی منع گسترش باقی مانده است. فعالیت‌های گسترش تسلیحاتی رژیم ایران برای مدت بیش از یک دهه موجب نگرانی شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است. قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید، محدودیت‌های بسیار شدیدی را بر برنامه موشک‌های بالستیک رژیم ایران اعمال کرد. این قطعنامه رژیم ایران را انجام هر گونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک که ظرفیت حمل جنگ‌افزارهای هسته‌ای را دارند، منع کرده، و تایید کرده است که چنین موشک‌هایی احتمالا روش مرجح رژیم ایران برای حمل یک کلاهک در آینده خواهد بود.

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در سال ۲۰۱۵ برای محدود کردن برنامه هسته‌ای رژیم ایران به انجام رسید، هیچ‌گونه مهارهای ملموس را بر برنامه موشکی بالستیک رژیم ایران دربر نداشت. از آن بدتر این که همزمان با عملی شدن برجام، لحن قاطع به کار رفته در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد که جنبه‌های محدودکننده برنامه موشک‌های بالستیک رژیم ایران را [در بر می‌گرفت]، تضعیف شد. ناکامی برجام در برخورد با توسعه موشک‌های بالستیک ایران همچنان یکی از کاستی‌های پایدار آن است. رژیم ایران در حضور یک نظام ضعیف‌تر منع گسترش برای مهار فعالیت‌هایش، به رویارویی با امنیت بین‌المللی ادامه داده و برنامه موشک‌های بالستیک، انجام آزمایش‌ها، و تحقیق و توسعه جاری خود و همچنین ارائه توانایی‌های موشکی به نیروهای نیابتی خود در منطقه ادامه می‌دهد.

گسترش موشک‌ها

رژیم ایران با داشتن بیش از ده سامانه موشک‌های بالستیک، که در زرادخانه این رژیم و یا در دست تولید هستند، و با داشتن صدها موشک که همسایگان این کشور در منطقه را تهدید می‌کنند، بزرگترین نیرو از لحاظ موشک‌های بالستیک در خاورمیانه محسوب می‌شود. رژیم ایران به تولید و توسعه مجموعه‌ای از سامانه‌های با برد کوتاه و متوسط سوخت جامد و مایع ادامه می‌دهد و در حال بررسی راه‌های مختلف برای گسترش توانایی‌های خود در زمینه موشک‌های با برد بیشتر است. شتاب روند پرتاب و آزمایش موشک‌های رژیم ایران به دنبال اجرایی شدن برجام کاهش نیافته است و رژیم ایران همچنان برای توسعه نیروی موشکی خود اولویت قائل است. از زمان عملی شدن برجام تاکنون، رژیم ایران اقدام به پرتاب چندین موشک بالستیک کرده است.

رژیم ایران سال‌ها از رعایت محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه موشکی خود توسط جامعه جهانی سر باز زده است. رژیم ایران از سال ۲۰۱۰ اقدام به چندین پرتاب موشک کرده که تخلف از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌شدند و همچنان به پرتاب موشک‌هایی پرداخته که با عبارات به کار رفته در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد – که به عنوان بخشی از برجام پذیرفته شده بود – تعارض دارند. شورای امنیت موارد تخلف ایران از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را از سال ۲۰۱۶ در

گزارش‌های نیم‌سالانه‌اش ثبت کرده است. پیش از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ نیز تخلفات رژیم ایران از قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با توسعه موشکی، هسته‌ای، و [جنگ‌افزارهای] متعارف توسط چندین هیئت کارشناسان سازمان ملل متحد ثبت و ضبط شده است.

آزمایش‌های موشکی جاری رژیم ایران نشان دهنده تمایل این رژیم برای بالا بردن دقت و تاثیرگذاری قابلیت‌های آن است. سرمایه‌گذاری‌های مداوم در برنامه وسیله پرتاب فضایی آن نیز قابل ملاحظه بوده است. فرانسه، آلمان، انگلستان، و ایالات متحده در ماه اوت سال ۲۰۱۷ با فرستادن نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد راه‌اندازی یک وسیله پرتاب فضایی سیمرغ را به عنوان اقدامی در تناقض با قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، محکوم کردند. وسایل پرتاب فضایی از فناوری‌هایی استفاده می‌کنند که عملا مشابه و قابل جایگزینی با فناوری‌های مورد استفاده در موشک‌های بالستیک، به ویژه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما هستند. همچنین ایالات متحده به طور جداگانه ارزیابی می‌کند که رژیم ایران در ماه ژانویه سال ۲۰۱۷ اقدام به پرتاب یک موشک میان‌برد، که گمان می‌رود خرمشهر بوده باشد، کرد. [موشک] خرمشهر برای حمل محموله‌ای به وزن دست‌کم هزار و پانصد کیلوگرم طراحی شده است و می‌توان از آن برای حمل کلاهک‌های هسته‌ای استفاده کرد. گمان می‌رود برد این موشک دست‌کم دو هزار کیلومتر باشد که این برد برای رسیدن به برخی از کشورهای اروپایی کافی است.

رژیم ایران به شکل فزاینده‌ای به انتقال فناوری موشکی به نیروهای نیابتی منطقه‌ای خود می‌پردازد. گزارش‌های رسانه‌ای اخیر نشان می‌دهند که رژیم ایران در حال انتقال دادن موشک‌های بالستیک خود به شبه نظامیان شیعه در عراق است؛ همان نیروهایی که به تازگی و در ماه دسامبر سال ۲۰۱۸ تاسیسات دیپلماتیک ایالات متحده را در بغداد و بصره هدف قرار دادند. رژیم ایران در لبنان از توسعه تاسیسات ساخت موشک حزب‌الله و همچنین سیستم‌های پیشرفته هدایت دقیق برای انبار بزرگ موشکی این گروه پشتیبانی می‌کند.

نیکی هیلی، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد، در مقابل قطعات به جای مانده از یک موشک ایرانی به مطبوعات گزارش می‌دهد.
AP PHOTO

همچنین شواهد بسیار زیادی مبنی بر انتقال فناوری موشک‌های بالستیک توسط ایران به حوثی‌ها در یمن در دست است. قطعات و پس‌مانده‌های به جای مانده از حملات اخیر انجام شده از یمن به عربستان سعودی نشان می‌دهد که ایران به حوثی‌ها پشتیبانی موشکی ارائه می‌دهد که این مسئله تنها می‌تواند به تشدید بیشتر مناقشه بیانجامد. این کار همچنین تهدید بزرگتری برای امنیت منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. در یکی از این موارد، ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که یک موشک شلیک شده در ماه ژوئیه ۲۰۱۸، به استناد مشخصه‌های منحصربه‌فرد شناسایی شده در لاشه آن، یک موشک بالستیک کوتاه‌برد ایرانی بوده است. برای نمونه، در بررسی و تحلیل لاشه [این موشک] سه دریچه مستقر در انباره سوخت مشاهده شد که این یکی از مشخصه‌های منحصربه‌فرد مشاهده شده در [موشک] قیام است. بررسی‌های بیشتر همچنین نشان داده‌اند که یک موشک پرتاب شده در ماه نوامبر ۲۰۱۷ یک موشک قیام ایرانی بوده است. در میان لاشه‌های به جای‌مانده یک آرم شرکت با حروف اس‌بی‌آی یافت شد که [این حروف اختصاری] توسط شرکت ایرانی صنایع شهید باقری استفاده می‌شود. یک شورای کارشناسان سازمان ملل متحد در ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ تایید کرد که این موشک‌ها و سایر تجهیزات نظامی استفاده شده توسط حوثی‌ها بر علیه عربستان سعودی در واقع از ایران آمده بودند. نیکی هیلی، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد، در واکنش به این

حمله گفت: «فقط تصور کنید که اگر این موشک به سوی فرودگاه دالاس یا جی‌اف‌کی و یا فرودگاه‌های پاریس، لندن، یا برلین پرتاب شده بود [چه اتفاقی می افتاد.] این است آن چیزی که ما داریم در این جا در موردش صحبت می‌کنیم. این همان چیزی است که ایران فعالانه از آن حمایت می‌کند.»

مقابله با تهدید

جامعه جهانی به شکل فزاینده‌ای درک می‌کند که ما باید برای مقابله با تولید و گسترش بیشتر برنامه موشکی رژیم ایران اقدام کنیم. ایالات متحده برای مقابله با این مشکل به گستره وسیعی از ابزارهای مختلف تکیه می‌کند. ایالات متحده در زمینه اقدام چند جانبه، با شرکای خود کار می‌کند تا انتقال [اقلام و فناوری‌های] مرتبط با موشک به ایران را قدغن کرده و فعالیت‌های توسعه موشکی رژیم ایران در کشورهای ثالث را هدف قرار دهد. ایالات متحده و بسیاری از نزدیکترین شرکای آن همچنین در نظام کنترل فناوری موشکی و دستورالعمل لاهه بر ضد گسترش موشک‌های بالستیک، مشارکت می‌کنند. این دو عرصه چندجانبه به بالا بردن سطح آگاهی از برنامه توسعه موشکی، فناوری‌های حساس، و راهبردهای ابتیاع رژیم ایران، و همچنین برای تحت فشار قرار دادن کشورها برای برداشتن گام‌هایی جهت ممانعت از دستیابی فناوری موشکی توسط ایران کمک می‌کنند. ایالات متحده همچنین سالانه هزاران روادید را مورد بررسی قرار می‌دهد تا اطمینان یابد که دانشجویان، محققان، و سایر بازدیدکنندگان خارجی، مقررات کنترل صادرات و به دست آوردن دانش فناوری را، که می‌تواند در خدمت برنامه‌های موشکی رژیم ایران باشد، نقض نکرده باشند.

ایالات متحده و شرکای آن همچنین از قدرت تحریم‌ها برای مجازات کردن نهادهایی که در برنامه موشکی رژیم ایران مشارکت داشته و یا در انتقال فناوری به آن دست دارند، استفاده می‌کنند. در ماه مارس سال ۲۰۱۷ و در ماه آوریل سال ۲۰۱۸ ایالات متحده تحریم‌هایی را علیه نوزده نهاد خارجی به خاطر انتقال تجهیزات به برنامه موشکی ایران تحت اختیارات ارائه شده توسط قانون منع گسترش [جنگ‌افزارهای] ایران، کره شمالی، و سوریه، مورد تحریم قرار داد. ایالات متحده در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۷ مطابق با فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ مجموع هجده نهاد یا فرد را به خاطر پشتیبانی از برنامه موشک‌های بالستیک رژیم ایران و یا تسهیل ابتیاع نظامی این رژیم، مورد تحریم قرار داد. فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ اختیارات لازم را برای هدف قرار دادن گستراننده‌گان جنگ‌افزارهای کشتار جمعی ارائه می‌دهد. ایالات متحده در ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ چهار نهاد دیگر را در ارتباط با برنامه موشک‌های بالستیک رژیم ایران بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ تحت تحریم قرار داد. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در ماه مه سال ۲۰۱۸ پنج فرد ایرانی را به خاطر ارائه تخصص فنی مرتبط با موشک‌های بالستیک به حوثی‌ها تحریم کرد. این افراد همچنین در انتقال اسلحه به یمن به نمایندگی از نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست داشتند.

در حالی که ما مشغول اجرای راهبرد تازه رئیس‌جمهوری هستیم، ایالات متحده به اقدامات خود در زمینه به کارگیری از قدرت تحریم‌ها بر ضد برنامه موشکی رژیم ایران ادامه خواهد داد.

فصل ۳

فعالیت‌های مالی غیرقانونی در ایران

«ایالات متحده دسترسی سپاه پاسداران به وجوه مالی برای تامین مالی فعالیت‌های شریرانه رژیم ایران را، از جمله جایگاه این رژیم به عنوان بزرگترین رژیم حامی تروریسم در جهان، به کارگیری موشک‌های بالستیک توسط این رژیم بر علیه همپیمانان‌مان، حمایت آن از رژیم بی رحم اسد در سوریه، موارد نقض حقوق بشر توسط این رژیم بر ضد مردم خودش، و سوءاستفاده از نظام مالی بین‌المللی توسط این رژیم، قطع خواهد کرد.»

استیون تی. منوچن، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، ماه مه ۲۰۱۸

پیش‌گفتار

جمهوری اسلامی مدام تلاش می‌کند تا از فریب‌کاری و بهانه‌جویی برای تامین مالی فعالیت‌های غیرقانونی خود استفاده کند و به این ترتیب، صداقت و امنیت نظام مالی بین‌المللی را تهدید می‌نماید. این رژیم در درجه اول از شرکت‌های صوری و انواع دیگر نهادهای به ظاهر مشروع جهت بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیری که آن را قادر می‌سازند تا به منابع مالی دسترسی پیدا کند، استفاده می‌کند. به رغم این که سال‌ها جامعه جهانی از رژیم ایران خواسته بود تا چهارچوب قانونی سختگیرانه‌تری را در پیش بگیرد، اما این رژیم در اعمال اصلاحات لازم برای مطابقت را استانداردهای ضد پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم ناکام بوده است.

انتقال پول برای نیروی قدس

نیروی قدس سپاه پاسداران، که شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران و مسئول حمایت از نیروهای نیابتی در منطقه است، به مشارکت خود در توطئه‌های مالی غیرقانونی در مقیاس کلان برای تامین مالی فعالیت‌های شریرانه‌اش ادامه می‌دهد، که از آن جمله می‌توان به پشتیبانی آن از گروه‌های تروریستی تحت تحریم ایالات متحده همانند حزب‌الله و حماس اشاره کرد. در یک مورد، نیروی قدس سپاه پاسداران شبکه‌ای از شرکت‌های صوری را برای سوءاستفاده از بازار مبادلات ارز در امارات متحده عربی به راه انداخت تا صدها میلیون دلار وجه نقد را در قالب اسکناس‌های دلار آمریکا تهیه کرده و انتقال دهد. این شبکه اقدام به جعل اسناد کرد و فعالیت خود را در پس کسب‌وکارهای مشروع پنهان نمود. دست کم یکی از این شرکت‌های صوری ایرانی با نام صرافی راشد خدمات خود را در اینترنت تبلیغ می‌کرد و به نظر می‌رسید که یک کارگزار مشروع و قانونی باشد. ایالات متحده در ماه مه سال ۲۰۱۸ با هدف مختل کردن این فعالیت ۹ [فرد و نهاد] را تحت تحریم قرار داد.

این توطئه‌های غیرقانونی تامین مالی نیروی قدس سپاه پاسداران در بالاترین سطوح دولت ایران، از جمله از طریق بانک مرکزی ایران (سی‌بی‌آی)، تسهیل می‌شود. وزارت خزانه داری ایالات متحده در ماه مه سال ۲۰۱۸ افشا کرد که ولی‌الله سیف، رئیس وقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به همراه معاون مدیر اداره بین‌المللی بانک مرکزی ایران، برای مخفی کردن جابه‌جایی وجوه غیرقانونی به نیروی نیابتی تروریستی آن، یعنی حزب‌الله، با نیروی قدس سپاه پاسداران توطئه‌چینی کرده‌اند. این نقشه همچنین شامل متقاعد کردن رئیس و مدیر اجرایی بانک اسلامی البلاد در عراق بود تا آنها به عنوان یک واسطه عمل کنند، که این اقدام در نتیجه انتقال وجوه به حزب‌الله را ممکن ساخت. این توطئه سپاه پاسداران نه تنها تروریسم را تامین مالی کرد، بلکه صداقت نظام مالی عراق و در نتیجه توانایی آن برای تضمین رشد و توسعه اقتصادی را نیز تضعیف کرد. ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۸ چهار فرد و یک نهاد را در رابطه با این اقدام مورد تحریم قرار داد.

تلاش‌های نیروی قدس سپاه پاسداران برای سوءاستفاده از سیستم مالی بین‌المللی تنها به جعل اسناد و یا شرکت‌های صوری محدود نمی‌شود. نیروی قدس سپاه پاسداران در سال ۲۰۱۷ طرحی را برای تولید ارز تقلبی مهندسی کرد و قوانین هم‌پیمانان ما در اروپا را به سخره گرفت و زیر پا گذاشت. این نهاد با استفاده از یک رشته شرکت‌ها در آلمان برای فریب دادن هویت خود و داده‌های مربوط به کاربر نهایی، فروشندگان اروپایی را فریب داد تا به این ترتیب بتواند دستگاه‌های چاپ پیشرفته و دیگر مواد لازم را تهیه کند. [نیروی قدس] سپس اسکناس های

جعلی یمنی را چاپ کرد که این اسکناس‌ها برای پشتیبانی از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن در یمن به کار گرفته شد. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در ماه نوامبر سال ۲۰۱۷ شش [فرد یا نهاد] را در ارتباط با این عملیات هدف تحریم‌های خود قرار داد.

نیروی قدس همچنین در رابطه با هماهنگ‌کردن یک نقشه گسترده برای دور زدن تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی ایالات متحده جهت ابتیاع غیرقانونی قطعات هواپیما مسئول است. این نقشه شامل یک مجموعه از شرکت‌های صوری است که هواپیمایی ماهان را در رابطه با ابتیاع کالاهای آمریکایی مشمول کنترل صادرات کمک کرده بودند. وزارت خزانه‌داری در پی انجام تحقیقاتی در رابطه با این اقدام، ۹ فرد و نهاد را تحریم کرد. شرکت‌های هواپیمایی تجاری ایرانی، به ویژه هواپیمایی ماهان، نقشی کلیدی را در جابه‌جایی افراد، جنگ‌افزارها، تجهیزات، و پول‌هایی که به درگیری‌های منطقه‌ای دامن می‌زنند، برای نیروی قدس سپاه پاسداران ایفا می‌کنند. حمید عرب‌نژاد خانوکی، رئیس و مدیرعامل کنونی هواپیمایی ماهان، ارتباط نزدیکی با سپاه پاسداران دارد. ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ عرب‌نژاد را به خاطر تسهیل ارسال یک محموله غیرقانونی به سوریه در یک هواپیمای شرکت هواپیمایی ماهان، مورد تحریم قرار داد.

گروه ویژه اقدام مالی و جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی دائما در اجرای استانداردهای بین‌المللی برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، آن‌گونه که توسط گروه ویژه اقدام مالی (اف‌ای‌تی‌اف) تعیین شده، ناکام بوده است. بنابراین، گروه ویژه اقدام مالی در یک دهه گذشته ایران را به عنوان یک منطقه پرخطر و فاقد همکاری لازم تعیین کرده است. از سال ۲۰۱۶، در ازای یک تعهد سیاسی سطح بالا از سوی رژیم ایران مبنی بر اعمال برخی اصلاحات مشخص، گروه ویژه اقدام مالی اقدامات متقابل خود علیه ایران را به حال تعلیق درآورد.

اما به رغم فرصت‌های ارائه شده به جمهوری اسلامی، این رژیم در عمل کردن به تعهدات خود ناکام بوده‌است. گروه ویژه اقدام مالی مشخصا کاستی‌های بنیادین رژیم ایران، از جمله فقدان جرم‌انگاری مناسب تامین مالی تروریسم، را به شکل مستند ثبت کرده است. ناکامی رژیم ایران در تکمیل ۹ مورد از ده مورد اقدامات مدنظر موجب شد که گروه ویژه اقدام مالی در ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ مراتب ناامیدی ویژه خود را ابراز کند. چنان‌چه رژیم ایران در پیشرفت به سوی برآورده کردن وظایفش ناکام بماند، گروه ویژه اقدام مالی در ماه اکتبر سال ۲۰۱۸ درباره اقدام مناسب تصمیم گیری خواهد کرد. شخص علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، پیوستن ایران به میثاق‌های بین‌المللی ضروری در رابطه با تامین مالی تروریسم و پولشویی را، که به گفته بسیاری از محافظه‌کاران ممکن است توانایی رژیم ایران در تامین مالی حماس و حزب‌الله را محدود کند، زیر سوال برده است.

فصل چهارم

تهدید امنیت دریانوردی توسط ایران

«جمهوری اسلامی ایران تنگه هرمز را کنترل نمی‌کند. این تنگه یک آبراه بین‌المللی است. ایالات متحده به کار با شرکایمان برای اطمینان یافتن از آزادی ناوبری و جریان آزاد بازرگانی در آبراه‌های بین‌المللی ادامه خواهد داد.»

مایکل آر. پمپیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، اوت ۲۰۱۸

پیش‌گفتار

جمهوری اسلامی تهدید عمده‌ای برای آزادی ناوبری و امنیت دریانوردی از خلیج فارس تا دریای سرخ محسوب می‌شود. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مستقیما ثبات اقتصادی جهان و معماری امنیت منطقه‌ای گسترده‌تر را به چالش می‌کشد. مقامات جمهوری اسلامی، از جمله فرماندهان بلندپایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهدید کرده‌اند که تنگه هرمز، آبراهه باریکی در خلیج فارس که بیست درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند، را خواهند بست. رژیم ایران همچنین جنگ نیابتی خود را به دریا نیز کشانده است. این رژیم جنگ‌افزارها و مشاوران خود را در اختیار شبه نظامیان حوثی در یمن قرار می‌دهد و آنها نیز در عوض رزمناوها و کشتیرانی بازرگانی در دریای سرخ را هدف قرار داده‌اند.

«غیرایمن و غیرحرفه‌ای»

جمهوری اسلامی از دریا برای رویارویی با همسایگان خود در خلیج فارس و همچنین منافع ایالات متحده استفاده کرده است و هدف روشنی را در توسعه نیروی خود در خلیج فارس و فراسوی آن دنبال می‌کند. به گفته ژنرال جوزف ووتل، فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده، شناورهای کوچک تندروی تهاجمی نیروی دریایی سپاه پاسداران در موارد متعدد به گونه‌ای «غیرایمن و غیرحرفه‌ای» اقدام به ایجاد مزاحمت برای شناورهای نیروی دریایی ایالات متحده در آب‌های بین‌المللی کرده‌اند. نیروی دریایی ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ تعداد ۱۴ مورد از این دست را ثبت کرد، در حالی که تعداد موارد ثبت‌شده در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۵ به ترتیب ۳۶ مورد و ۲۲ بوده است. این حوادث تهدید بزرگی از بابت تصادم میان شناورهای دریایی نیروی دریایی سپاه پاسداران و نیروی دریایی ایالات متحده محسوب می‌شوند. در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۷ یک شناور نیروی دریایی سپاه پاسداران تا فاصله ۱۵۰ یاردی رزمناو یواس‌اس تاندربولت در خلیج فارس نزدیک شد و این رزمناو را وادار کرد تا تیرهای هشدار شلیک کند. در یک مورد دیگر، در ماه مارس سال ۲۰۱۷ کشتی یواس‌ان‌اس اینوینسبل ناچار شد تا برای پیشگیری از برخورد با چندین قایق تندروی کوچک نیروی دریایی سپاه پاسداران مسیر خود را تغییر دهد. تهدید نیروی دریایی سپاه پاسداران بر ضد نیروی دریایی ایالات متحده از قایق‌های تندروی [سپاه] فراتر می‌رود. نیروی دریایی سپاه پاسداران از پهپادها برای نزدیک شدن به کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده استفاده کرده است. در ماه اوت سال ۲۰۱۷، زمانی که جت‌های جنگنده شب‌هنگام در حال فرود آمدن بودند، یک پهپاد غیرمسلح ایرانی در نزدیکی ناو یواس‌اس نیمیتز به پرواز درآمد و به این ترتیب ایمنی خلبانان و خدمه آمریکایی را تهدید کرد.

رفتارهای شریرانه این رژیم در عرصه دریانوردی از خلیج فارس فراتر رفته و دریای سرخ را نیز دربرمی‌گیرد. حمایت این رژیم از شبه نظامیان حوثی در یمن تهدید فزاینده‌ای برای منافع نظامی و بازرگانی محسوب می‌شود. یک دستگاه شناور منفجرشونده از راه دور در ماه ژانویه سال ۲۰۱۷، یک رزمناو نیروی دریایی پادشاهی سعودی به نام المدینه را هدف حمله قرار داد. نیروی دریایی ایالات متحده به این نتیجه رسید که آن دستگاه احتمالا توسط سپاه پاسداران ارائه شده بود. از آن زمان به بعد، حوثی‌ها تهدید به انجام حملاتی علیه شناورهای بازرگانی

سعودی کرده‌اند و آن تهدیدها را نیز عملی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به حمله ژوئیه ۲۰۱۸ به یک نفتکش سعودی در دریای سرخ اشاره کرد. در ماه اکتبر سال ۲۰۱۶، شبه نظامیان حوثی مورد حمایت رژیم ایران موشک‌های کروز ضد کشتی را در آب‌های بین‌المللی درست در شمال باب‌المندب به سوی رزمناوهای ایالات متحده شلیک کردند. این حملات درست یک هفته پس از آن صورت گرفت که این شبه نظامیان، شناور اماراتی سوئیفت را هدف قرار داده و این کشتی ترابری را از کار انداخته بودند. حوثی‌ها همچنین اقدام به کارگذاری مین‌های دریایی در نزدیکی مسیرهای بازرگانی کشتیرانی در دریای سرخ کرده، آزادی ناوبری و جریان آزاد بازرگانی در منطقه را تهدید کرده‌اند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران کشتی ترابری مائرسک تیگریس را تصرف و به مدت یک هفته توقیف کرد.

گسترش توانایی‌های تهاجمی دریانوردی حوثی‌ها نشان‌دهنده نفوذ مداوم ویرانگر و بی‌ثبات کننده سپاه پاسداران در منطقه است. دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ و به دنبال توقیف یک محموله اسلحه توسط نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج عمان مراتب نگرانی خود را نسبت به محموله‌های غیرقانونی اسلحه رژیم ایران ابراز نمود. ایالات متحده در پایان به این نتیجه رسید که مبدا آن محموله ایران بود و به سمت یمن می‌رفت که این تخلف آشکاری از تحریم تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد شبه نظامیان حوثی محسوب می‌شد. رژیم ایران همچنین در انتقال غیرقانونی اسلحه در مناطق دیگر نیز دست داشته است. مقامات نیجریه در سال ۲۰۱۰، یک محموله جنگ‌افزار را در یک شناور بازرگانی در لاگوس کشف کردند که این نشان‌دهنده تهدیدهای جمهوری اسلامی در سوءاستفاده آن رژیم از محموله‌های بازرگانی برای انجام فعالیت‌های تبهکارانه، فراسوی خلیج فارس و دریای سرخ است.

جمهوری اسلامی همچنین در توقیف کشتی‌های بازرگانی با انگیزه‌های سیاسی و با هدف اعمال نفوذ در داخل و خارج دست داشته است. کشتی‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران در ماه آوریل سال ۲۰۱۵ به سوی کشتی بازرگانی مائرسک تیگریس که با پرچم جزایر مارشال حرکت می‌کند، در نزدیکی تنگه هرمز تیرهای اخطار شلیک کردند. نیروی دریایی سپاه پاسداران سپس این کشتی را وادار کرد تا در بندر بندرعباس ایران پهلو بگیرد. مقامات ایرانی این شناور را برای مدت یک هفته به اتهام بدهی‌های معوقه توقیف کردند. این حادثه بی‌توجهی و بی‌احترامی این رژیم به قواعد و قوانین بین‌المللی را به نمایش گذاشت.

بازداشت ملوانان در دریا

بازداشت غیرقانونی ملوانان غربی توسط رژیم ایران یکی از تحریک‌آمیزترین اقدامات رژیم ایران به‌شمار می‌آید. در تازه‌ترین مورد نیروی دریایی سپاه پاسداران در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۱۶ دو قایق رودخانه‌ای نیروی دریایی ایالات متحده را توقیف کرد. آنها ادعا کرده بودند که این شناورها بعد ازخراب شدن موتورشان سرگردان شده و به صورت غیرقانونی وارد آب‌های ایران شده بودند و آنها نیز ده ملوان ایالات متحده را برای مدت ۱۵ ساعت بازداشت کردند. وزارت دفاع [ایالات متحده] پس از تحقیق در مورد این حادثه چنین نتیجه‌گیری کرد که رژیم ایران با ممانعت از استفاده آن قایق‌ها از حق‌شان برای عبور بی‌ضرر، قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته است. این وزارتخانه همچنین به این نتیجه رسید که رژیم ایران با ورود، تجسس، و توقیف آن قایق‌ها و با عکسبرداری و فیلمبرداری ویدئویی از خدمه آنها، به مصونیت یک شناور ایالات متحده تجاوز کرده بود.

محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری ایران، به یکی از فرماندهان سپاه پاسداران - یکی از افرادی که مانع از ادامه حرکت پانزده ملوان و تفنگدار دریایی انگلستان شده بودند - مدال افتخار می‌دهد.
AP PHOTO

در یک حادثه بسیار تحریک‌آمیز دیگر نیروی دریایی سپاه پاسداران در ماه مارس سال ۲۰۰۷ با ورود به کشتی اچ‌اماس کورن‌وال نیروی دریایی سلطنتی [انگلستان] در نزدیکی دهانه آبراه شط العرب، آن کشتی را توقیف کرد. رژیم ایران برای مدت پانزده روز ملوانان بریتانیایی، را که در حال گشتزنی در آن آبراه‌ها بودند، در بازداشت نگاه داشت. بنا بر یک گزارش تهیه شده در رابطه با این حادثه توسط کمیته امور خارجی مجلس عوام انگلستان، رژیم ایران ادعا کرده بود که آن ملوانان به گشتزنی غیرقانونی در آب‌های ایران اعتراف کرده بودند. اما دولت انگلستان با قاطعیت این ادعا را رد کرد و با ارائه اسناد و مدارکی نشان داد که شناور بریتانیایی ۱.۷ میل دریایی درون آب‌های عراق بود. رژیم ایران سپس مشخصات جغرافیایی محلی را که مدعی توقیف آن شناور در آن‌جا شده بود، تغییر داد و از آزاد کردن ملوانان خودداری کرد. ملوانان بازداشت شده بعدها گفتند که چشمان‌شان را بسته بودند، به صورت انفرادی نگهداری می‌شدند، و تهدید شده بودند که اگر به ورود به آب‌های ایران اعتراف نکنند تا هفت سال زندانی خواهند شد.

در مدت زمان دو هفته که این واقعه دشوار به طول انجامید، دفتر وزارت امور خارجه بریتانیا روابط دیپلماتیک دوجانبه با ایران را متوقف کرد، شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای نسبت به بازداشت ملوانان ابراز «نگرانی شدید» کرد، و اتحادیه اروپا خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت‌شدگان شد. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری وقت ایران، پس از دو هفته مذاکره با آزادی آنها موافقت کرد؛ هر چند او همچنان اصرار داشت که خدمه [این شناورها] به آب‌های ایرانی «تجاوز» کرده بودند. در واقع، احمدی نژاد به گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران که مسئول بازداشت غیرقانونی آن ملوانان بودند، مدال افتخار داد و تاکید کرد که ایران حق آن را داشت که این ملوانان را دادگاهی کند و آزادی آنها را هدیه‌ای به مردم انگلستان خواند. بازداشت غیرقانونی ملونان در دریا توسط رژیم ایران با سیاست کلان این رژیم در بازداشت غیرقانونی اتباع خارجی و افراد دو تابعیتی بر اساس اتهامات واهی همخوانی دارد.

فصل پنجم

تهدید امنیت سایبری توسط ایران

«ما سرقت مالکیت معنوی از ایالات متحده و یا رخنه به مؤسسه‌های تحقیقاتی و دانشگاه‌هایمان را برنخواهیم تافت. ما به استفاده سازمان‌یافته از اختیارات تحریم‌هایمان جهت آشکار کردن اقدامات سایبری شریرانه رژیم ایران ادامه خواهیم داد و این رژیم را نسبت به حملات سایبری تبهکارانه‌اش پاسخگو قرار خواهیم داد.»

سیگال مندلکر، معاون وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، مارس ۲۰۱۸

پیش‌گفتار

جمهوری اسلامی با به‌کارگیری از جاسوسی سایبری، تبلیغات، و حملات برای تحت تاثیر قرار دادن رویدادها، شکل دادن به برداشت‌های خارجی، و مقابله با تهدیدهای متصوره، یکی از عوامل اصلی تهدید کننده در فضای مجازی محسوب می‌شود. فعالیت سایبری رژیم ایران قواعد بین‌المللی و منافع امنیتی را تضعیف کرده و مرتبا دسترسی به ارتباطات اینترنتی آزاد، متقابل، مطمئن، و ایمن را تهدید می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی همانند حمایت‌هایش از نیروهای نیابتی، در رابطه با فعالیت‌های مخرب سایبری خود نیز اولویت را به قابلیت انکار باورپذیر اختصاص داده است و به این ترتیب نسبت دادن [این فعالیت‌ها به آن رژیم] در بسیاری از موارد دشوار است. با این وجود اسناد و مدارک بسیار زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند این رژیم به فعالیت‌های شریرانه خود در فضای سایبری ادامه داده است.

عملیات‌های خارجی

جمهوری اسلامی توانایی‌های سایبری خود را به قصد تحت نظر قرار دادن و خرابکاری بر ضد دشمنانش، نقض قواعد بین‌المللی، و تهدید ثبات بین‌المللی توسعه داده است. طی یک دهه گذشته گزارش‌های عمومی نشان می‌دهد که رژیم ایران با اقدام به اجرای عملیات‌های سایبری، دولت‌ها و نیز نهادهای بازرگانی و جامعه مدنی را در کشورهای ایالات متحده، اسرائیل، عربستان سعودی، قطر، و غیره هدف قرار داده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مکررا نیروی اصلی پشت این حملات بوده است. هرچند آنها معمولا از کمک هکرهای خارج از بدنه دولت استفاده می‌کنند.

تمرکز رژیم ایران معمولا بر اهداف «نرم» مانند نهادهای بازرگانی آسیب‌پذیر، زیرساخت‌های حساس، و سازمان‌های غیردولتی قرار دارد. عملیات‌های سایبری رژیم ایران در خاورمیانه به شدت بر عربستان سعودی و دیگر کشورهای واقع در خلیج فارس متمرکز شده است. در یک حمله اجرا شده در سال ۲۰۱۲ که به شکل گسترده‌ای به رژیم ایران نسبت داده شده بود، ده‌ها هزار رایانه در شرکت آرامکوی عربستان سعودی و راس‌گس قطر هدف قرار گرفته و از کار افتادند که در نتیجه صدها میلیون دلار خسارت به بار آمد. یک نسخه روزآمد آن حمله بار دیگر بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ اجرا شد که به خراب شدن پایگاه داده‌ها منجر شد و به این ترتیب دولت سعودی و برخی عوامل بخش خصوصی آن، از جمله اداره کل ترابری غیرنظامی و بانک مرکزی آن کشور را تحت تاثیر قرار داد.

رژیم ایران در خارج از خاورمیانه نیز ایالات متحده و سایر کشورهای غربی را هدف فعالیت‌های جاسوسی و اقدامات خرابکارانه خود قرار داده است. از اواخر سال ۲۰۱۱ تا اواسط سال ۲۰۱۳ نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران یک کارزار هماهنگ شده حمله محروم‌کردن از سرویس (دی‌دی‌اواس) را بر ضد بخش مالی ایالات متحده اجرا کرد

و به این ترتیب سیستم مالی جهانی بین‌المللی را تهدید نمود. این کارزار حمله محرومکردن از سرویس، تارنماهای این بانک را از کار انداخت و از دسترسی مشتریان به حساب‌هایشان در اینترنت جلوگیری کرد و به رغم تلاش بانک‌ها برای خنثی کردن و کاهش زیان‌های این حملات، در مجموع ده‌ها میلیون دلار هزینه ترمیم را روی دست قربانیان گذاشت. یکی از هکرهای ایرانی که در کارزار حمله محرومکردن از سرویس مشارکت داشت، در سال ۲۰۱۳ یک عملیات رخنه را نیز به سیستم کنترل صنعتی یک سد در ایالات متحده، درست در شمال شهر نیویورک، اجرا کرد. به رغم تلاش‌های رژیم ایران برای پنهان کردن نقش خود در این حوادث، دولت ایالات متحده چندین تن از اتباع ایران را به خاطر نقش‌شان در این حملات تحریم کرد و تحت پیگرد کیفری قرار داد و به این ترتیب شفافیت بیشتری را نسبت به گستره کامل فعالیت‌های سایبری مخرب جمهوری اسلامی ارائه داد.

جرائم سایبری مخرب جمهوری اسلامی فقط به نهادهای بازرگانی و زیرساخت‌های حساس محدود نیست. مؤسسه مبنا مرتبط با سپاه پاسداران در ایران یک عملیات هماهنگ‌شده بسیار بزرگ رخنه سایبری را بر ضد سامانه‌های رایانه‌ای حدودا ۱۴۴ دانشگاه در ایالات متحده و دست‌کم ۱۷۶ دانشگاه در ۲۱ کشور دیگر جهان اجرا کرد و بیش از ۳۱ ترابایت اسناد و داده‌ها را به سرقت برد. دولت ایالات متحده در ماه مارس سال ۲۰۱۸، مؤسسه مبنا را هدف تحریم قرار داد و همچنین تعدادی از شهروندان رژیم ایران که در این اقدام دست داشتند را تحریم کرد و تحت پیگرد کیفری قرار داد. سیگال مندکر، معاون وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در امور تروریسم و اطلاعات مالی، در هنگام اعلام تحریم‌های وضع‌شده ایالات متحده بر این [افراد و نهادها] گفت: «[رژیم] ایران در یک کارزار فعالیت‌های سایبری مخرب بر ضد ایالات متحده و همپیمانان ما دست دارد. سپاه پاسداران اجرای رخنه‌های سایبری را به مؤسسه مبنا، یک شبکه هکری که برای سرقت داده‌های حساس در صدها دانشگاه رخنه کرده، سپرده است.»

اهداف داخلی

رژیم ایران در داخل مرزهای خود برای خاموش کردن و تضعیف منتقدانش، از جمله شهروندان عادی ایرانی، اعضای جامعه مدنی، و یا مقامات منتخب دولتی، به توسعه و استفاده از توانایی‌های سایبری می‌پردازد. نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران همچنین نیروهای دیپلماتیک خود جمهوری اسلامی را نیز هدف قرار می‌دهند، به طوری که برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که حتی جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، نادانسته ممکن است بخشی از یک طرح نظارت سایبری مرتبط با سپاه پاسداران بر یک شخصیت برجسته ایرانی بوده باشد. گذشته از مقامات منتخب، کارزارهای سایبری - شامل جاسوسی، تغییر ظاهر تارنماها، و سرقت گواهی‌نامه‌ها و مدارک - روحانیون اصلاح‌طلب و رهبران و فعالان سیاسی میانه‌روی ایران را نیز هدف قرار داده است.

رژیم ایران از توانایی‌های سایبری خود برای انکار دسترسی نامحدود ایرانیان به اینترنت، از جمله با مسدود کردن دسترسی آنها به تارنماها و اپلیکیشن های رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کند. این رژیم به تامین مالی یک نیروی عظیم سانسورچی آنلاین پرداخته و دسترسی به خدمات ماهواره‌ای را محدود کرده‌است. طنز تلخی که بر

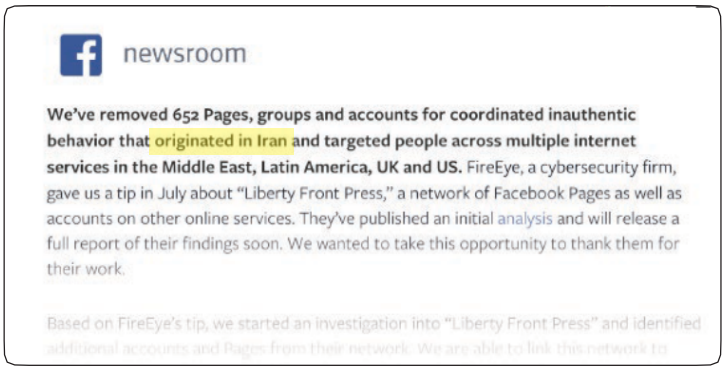

مردم ایران پوشیده نمانده این است که در حالی که رژیم به مقابله با بسترهای رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر می‌پردازد، مقامات رژیم مانند علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، و ظریف، وزیر امور خارجه، و همچنین روزنامه نگاران همصدا با رژیم، مرتبا از این بسترها برای پراکندن تبلیغات رژیم به جهان خارج استفاده می‌کنند. در ماه اوت سال ۲۰۱۸، فیسبوک، توئیتر، و دیگر شرکت‌های ایالات متحده از حذف کردن بیش از ۱۰۰۰ صفحه، گروه، و حساب کاربری، که بنا بر ارزیابی آنها به پراکندن اطلاعات نادرست از جانب رژیم ایران پرداخته بودند، خبر دادند. دامنه این کارزار گسترده بود. این کارزار تنها در فیسبوک بیش از ۶۰۰ صفحه را دربر می‌گرفت و کاربران را در ایالات متحده، انگلستان، خاورمیانه، و آمریکای لاتین هدف قرار می‌داد.

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده سال گذشته چندین فرد و نهاد را در رابطه با موارد نقض جدی حقوق بشر و سانسور در ایران تحریم کرد. از جمله این افراد ابوالحسن فیروزآبادی، دبیر شورای عالی فضای مجازی ایران، است. فیروزآبادی نقش عمده‌ای را در تلاش‌های جاری این رژیم برای مسدود کردن دسترسی به تارنماهای رسانه‌ای اجتماعی و برنامه‌های کاربردی مانند تلگرام ایفا کرده است. شورای عالی فضای مجازی نیز به خاطر نقش خود در نظارت بر سانسور بیان و رسانه‌ها در ایران تحت تحریم قرار دارد.

فصل ششم

نقض حقوق بشر در ایران

یک دانشجو در تهران در تظاهرات ضد رژیم شرکت کرده است و در همین حال پلیس جمهوری اسلامی یک نارنجک دودزا را شلیک می‌کند.

«امروز مردم ایران خطاب به حکومت‌شان سخن می‌گویند و پیام آنها غیرقابل انکار است: حمایت از تروریسم را متوقف کنید. پرداخت چندین میلیارد از پول ما به قاتلان و دیکتاتورها را متوقف کنید. از گرفتن پول ما و هزینه کردن آن برای جنگجویان بیگانه و جنگ‌های نیابتی دست بردارید. به ما فکر کنید.»

نیکی آر. هیلی، فرستاده دائم ایالات متحده در سازمان ملل متحد، ژانویه ۲۰۱۸

پیشگفتار

رژیم ایران پیشینه شرم‌آوری در زمینه حقوق بشر دارد و چشم‌انداز آن نیز همچنان وخیم است. رژیم ایران به نقض حقوق انسانی مردم خود ادامه داده و مکررا فعالان سیاسی و حقوق مدنی و نیز اقلیت‌های دینی و نژادی را هدف قرار می‌دهد. دستگاه‌های قضایی این رژیم به شکل اسفناکی در ارائه روند مناسب قانونی ناکام بوده‌اند و شهروندان بیگانه و دوتابعیتی‌ها مرتبا هدف بازداشت‌های خودسرانه قرار گرفته‌اند.

فقدان هر نوع شکیبایی در قبال کنشگری

رژیم ایران شهروندان خود را به خاطر فعالیت‌های مدنی مسالمت‌آمیز و استفاده از حق آزادی بیان و باور هدف قرار می‌دهد. هم اکنون بیش از ۸۰۰ زندانی عقیدتی در ایران محبوس هستند. این رژیم مرتبا روزنامه‌نگاران را هدف قرار داده و استفاده از حق آزادی بیان در اینترنت را محدود می‌کند که یکی از نمونه‌های آن دستگیری بلاگ‌نویسان و کاربران رسانه‌های اجتماعی است. گزارشگران بدون مرز در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۸ برآورد کردند که ۲۰ روزنامه نگار و ۹ کنشگر اینترنتی به خاطر بیان دیدگاه‌های‌شان در اینترنت، زندانی شده‌اند. این رژیم همچنین مسافرت و سخنرانی چهره‌های سرشناس از جمله نامزدهای سیاسی، را محدود می‌کند. مهدی کروبی و میرحسین موسوی نامزدهای پیشین ریاست جمهوری ایران و همچنین زهرا رهنورد، همسر موسوی از ماه فوریه سال ۲۰۱۱ تاکنون بدون هیچ‌گونه تفهیم اتهام رسمی علیه خود در حصر خانگی نگاه داشته شده‌اند.

رژیم ایران به سرکوب هر گونه کنشگری ادامه می‌دهد. برای نمونه، کنشگران حقوق زنان در پی ایجاد شتاب حرکتی چشمگیر در اعتراضاتی که در سال ۲۰۱۸ بر ضد حجاب اجباری به راه افتاد، با دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه روبه‌رو شدند. ماموران حکومتی شرکت کنندگان در این اعتراضات را دستگیر کردند و دادگاه‌ها مجازات‌های بسیار شدید و مفرط، از جمله احکام زندان تا ۲۰ سال را علیه بسیاری از این افراد صادر کردند. این رژیم همچنین کارگران را به خاطر مشارکت در فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری هدف قرار می‌دهد. از آغاز امسال تاکنون چندین مورد وجود داشته است که در آنها کارگران به خاطر مطالبه دستمزدهای پرداخت نشده‌شان بازداشت یا دستگیر شده‌اند. کنشگران زیست‌محیطی نیز که تعداد بسیار زیادی از آنها بر ضد فساد و سوءمدیریت دولت حرف زده‌اند، هدف تحقیقات فزاینده قرار گرفته‌اند.

اقلیت‌های مذهبی متعدد ایران نیز توسط این رژیم هدف قرار گرفته و مرتبا با اذیت و آزار و دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه روبه‌رو هستند. گزارش‌های مربوط به مرگ افراد در بازداشت تحت شرایط مشکوک و همچنین ناپدید شدن اعضای جوامع مختلف ایران، از جمله اهواز، بلوچ، کرد، آذربایجان، و غیره ادامه دارد. این رژیم همچنین به بدرفتاری با پناهندگان افغان ادامه می‌دهد که از آن جمله می‌توان به اذیت و آزار فیزیکی توسط

نیروهای امنیتی، بازداشت در وضعیت غیربهداشتی، کار اجباری، و حتی جدایی اجباری از خانواده‌ها اشاره کرد. همانطور که پیشتر اشاره شد، گزارش‌های معتبر تاکید می‌کنند که این رژیم کودکان آواره افغانی که بعضی از آنها فقط ۱۴ سال سن دارند را برای جنگیدن در کنار نیروهای دولت سوریه در آن کشور به صورت غیرقانونی استخدام می‌کند، و شماری از کودکان افغان در حال جنگیدن در درگیری‌های سوریه کشته شده‌اند.

هدف قرار دادن اقلیت‌های دینی

دولت ایران آزادی‌های مذهبی را با استفاده مستقیم از اذیت و آزار و هدف قرار دادن اقلیت‌های مذهبی و دینی، به ویژه اقلیت‌های دینی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده‌اند، سرکوب می‌کند. جوامع اقلیت‌های مذهبی و دینی از جمله بهائیان، مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، و مسلمان سنی مذهب و صوفی‌ها (دراویش) با سرکوب، تبعیض، و حبس ناعادلانه گسترده روبه‌رو هستند.

این رژیم به آزار و اذیت جامعه دراویش گنابادی شدت بخشیده و دست کم ۳۰۰ درویش را در سال جاری به دلیل اعتراض به بازداشت خودسرانه دیگر درویشان کنشگر به زندان انداخته‌است. بنا به گزارش‌ها، احکام صادره از سوی دادگاه‌ها در محاکمه‌های غیرعادلانه شامل زندان‌های بلندمدت، شلاق، و تبعید در داخل کشور بود. دیده‌بان حقوق بشر این روند را بعنوان «یکی از بزرگترین سرکوب‌ها علیه یک اقلیت مذهبی در ایران طی مدت یک دهه» توصیف کرده است. دکتر نورعلی تابنده، رهبر معنوی ۹۱ ساله گنابادی‌ها، در حبس خانگی به سر می‌برد.

اقلیت‌های مذهبی دیگر نیز همچنان از بدرفتاری و خشونت رنج می‌برند. مسیحیان، به ویژه مسیحیان انجیلی و آنها که تغییر دین داده و از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند، با بالاترین سطح دستگیری‌ها و بازداشت‌ها روبه‌رو هستند. برای نمونه، حکومت این کشور در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۸ کشیش یوسف ندرخانی، یک نوکیش مسیحی و رهبر یک کلیسای خانگی، را به همراه سه تن از اعضای کلیسایش بازداشت کرد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که دادگاهی دیگر حکم ۱۰ سال زندان آنها را به خاطر «تجمع و تبانی بر ضد امنیت ملی»، سازماندهی کلیساهای خانگی، و تبلیغ مسیحیت صهیونیستی، تایید کرده بود. افراد متعلق به اقلیت سنی نیز بنا بر گزارش‌ها با ظلم و ستم حکومت روبه‌رو هستند که از آن جمله می‌توان به قتل‌های فراقانونی، دستگیری‌های خودسرانه، و شکنجه در بازداشتگاه‌ها اشاره کرد. این افراد همچنین مرتبا از دریافت مجوز برای ساخت نیایشگاه‌هایی منطبق با دین و باور خودشان محروم می‌شوند. بهائیان به خاطر باورهای‌شان با اذیت و آزار بسیار شدید حکومت روبه‌رو هستند که احکام شدید زندان برای اعضای رهبری‌شان، دسترسی محدود به آموزش‌های همگانی و فرصت‌های استخدامی، مصادره اموال، تعطیلی کسب و کارها، و هتک حرمت و تخریب آرامگاه‌های‌شان از مصادیق آن است. در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۸ مجموع ۶۷ بهایی در ایران زندانی بودند.

فقدان مراحل قانونی

بنا بر گزارش‌ها محمد ثلاث، یک عضو جامعه دراویش گنابادی ایران - جامعه‌ای که آماج اذیت و آزار قرار گرفته است - زیر شکنجه تن به اعتراف اجباری داد و در زندان مخوف رجایی‌شهر به دار آویخته شد.

روند محاکمه در دادگاه‌های ایران مرتبا حتی با معیارهای قانونی خود این کشور و همچنین تعهدات بین‌المللی آن برای تضمین محاکمه قانونی، از جمله دسترسی داشتن به وکیل قانونی و یک روند معتبر فرجام‌خواهی، همگام نیست. این رژیم بارها تلاش‌های انجام شده برای محافظت از آزادی‌های فردی را از طریق محدود کردن دسترسی به وکلا، و به ویژه هدف قرار دادن وکلای حقوق بشر، خنثی کرده است. برای نمونه، این رژیم نسرین ستوده و زینب طاهری، وکلای برجسته حقوق بشر، را در ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ به صورت خودسرانه و صرفا به دلیل انجام وظایف عادی آنها به نمایندگی از موکلان‌شان، دستگیر کرد و – بدون ارائه مدارک لازمه – مدعی شد که کار آنها امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. در یک مورد دیگر، حکومت ایران در ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ محمد ثلاث، یک درویش گنابادی، را به خاطر احتمال قتل سه افسر پلیس توسط او به گونه‌ای شتابزده اعدام کرد. این اعدام پس از محاکمه‌ای انجام شد که در آن تنها سندی که برای مجرم شناختن ثلاث استفاده شده بود، یک «اعترافنامه» بود که در تلویزیون دولتی حکومت ایران پخش شد و گفته می‌شود آن را تحت شکنجه از ثلاث گرفته بودند. مقامات رژیم ایران همچنین در تمام مدت قبل از محاکمه ثلاث را از دسترسی به وکیلش محروم کرده بودند.

بازداشت شدگان در ایران در زندان با شرایط مخوفی روبه‌رو هستند. گزارش های معتبر نشان می‌دهند که رژیم ایران، به ویژه در زندان مخوف اوین که بسیاری از زندانیان سیاسی ایران را در خود جای داده است، مرتبا از شکنجه و سایر انواع مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی، و تحقیرآمیز استفاده می‌کند. این موارد شامل اتهام قطع عضو، نابینا کردن، و شلاق زدن است. رژیم ایران همچنین از شکنجه‌های فیزیکی و روانی برای گرفتن اعترافات اجباری استفاده می کند. زندانیان سیاسی مرتبا از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و یا ملاقات با خانواده‌هایشان محروم می‌شوند. در ماه مه سال ۲۰۱۸ وزارت خزانه‌داری ایالات متحده زندان اوین را به خاطر موارد نقض جدی حقوق بشر تحت تحریم قرار داد. به رغم انکار رژیم ایران نسبت به استفاده از شکنجه در بازداشتگاه‌های این کشور شفافیت یا پاسخگویی بسیار اندکی حتی نسبت به مقامات منتخب ایران وجود دارد. در ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ و در پی چندین هفته درخواست‌های مکرر مجلس و پوشش رسانه‌های کشور، این زندان به حدود ۱۰ نماینده مجلس اجازه دسترسی محدود [به آن زندان] را داد.

با توجه به شرایط بسیار وخیم زندانیان عقیدتی امروز در ایران، چندین فقره «خودکشی‌های» مشکوک در سال ۲۰۱۸ در زندان‌های ایران اتفاق افتاد که مرگ یک کنشگر زیست‌محیطی به نام کاووس سیدامامی در بازداشت از آن جمله بود. تا به امروز هیچ‌گونه تحقیق شفاف یا معتبری در این‌باره انجام نشده است و هیچ یک از مقامات رژیم ایران نیز به خاطر این مرگ‌ها مقصر شناخته نشده‌اند. این رژیم به طور مکرر ادعا می‌کند که این مرگ‌های در حال بازداشت در نتیجه اعتیاد به مواد مخدر بوده است، در حالی که افراد مذکور اغلب هیچ پیشینه‌ای از استعمال مواد مخدر نداشته‌اند.

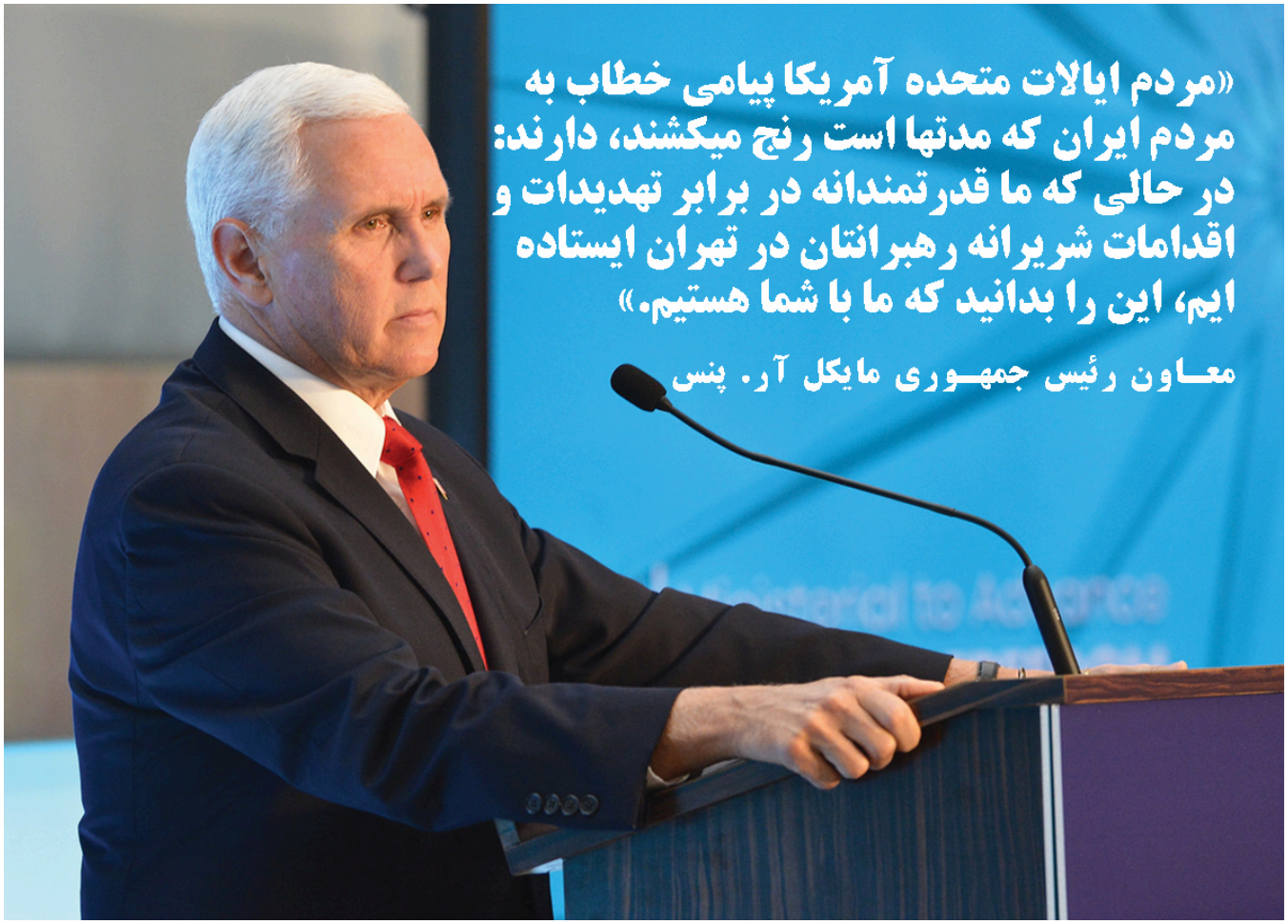

حکومت ایران به هدف قرار دادن و بازداشت کردن عامدانه شهروندان ایالات متحده و دیگر اتباع بیگانه، به ویژه افراد دو تابعیتی بر مبنای اتهامات ساختگی امنیت ملی ادامه می‌دهد. ایران چندین آمریکایی از جمله سیامک نمازی و ژیو وانگ را به طور ناعادلانه بازداشت کرده است. اکنون بیش از ۱۱ سال است که باب لوینسون همچنان در ایران ناپدید مانده است.

مجازات اعدام

به رغم اصلاحات اخیر برای کاهش تعداد اعدام‌های مرتبط با جرائم مربوط به مواد مخدر، نرخ سرانه اعدام در ایران همچنان یکی از بالاترین نرخ‌های اعدام در جهان است. حکومت به اعدام افراد به خاطر برخی جرائم ادامه می‌دهد – در حالی‌که این کار با تعهدات بین‌المللی ایران مبنی بر این که مجازات اعدام فقط باید به «جدی‌ترین جرائم» اختصاص یابد، سنخیتی ندارد. این اعدام‌ها همچنین غالبا به شیوه‌ای برخلاف تعهدات بین‌المللی حقوق بشری رژیم ایران اجرا می‌شوند. قانون جزای جمهوری اسلامی همچنان اعدام بزهکاران نوجوان را از سن ۹ سالگی برای دختران و ۱۳ سالگی برای پسران مجاز دانسته است. ایران به اعدام بزهکاران نوجوانان که در ارتباط با جنایت انجام شده قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مجرم شناخته شده‌اند، ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۱۸ نزدیک به ۸۰ مجرم نوجوان در نوبت اعدام بودند و دستکم سه فرد زیر سن در ماه ژانویه امسال اعدام شده اند.

جنایت‌های خارج از کشور

بی‌اعتنایی ایران به حقوق بشر از مرزهای این کشور فراتر می‌رود. گروه‌های مورد حمایت ایران، از جمله حزب‌الله لبنان، در سوریه به طور پیاپی غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند. از زمان آغاز جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون ایران از جمله قابل اتکاترین شرکای بشار اسد بوده و خطوط اعتباری به مبلغ تقریبا ۵ میلیارد دلار را در اختیار رژیم سوریه قرار داده است و منابع و نیروهای نظامی را به منطقه سرازیر کرده است. حکومت ایران به رغم به کارگیری فجیع جنگ‌افزارهای شیمیایی توسط رژیم اسد و هدف قرار دادن گسترده و کورکورانه غیرنظامیان، به حمایت خود از این رژیم ادامه داده است. تهران تعداد ۲۵۰۰ سرباز - از جمله نیروهای زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش - را به آن جا اعزام کرده و برای اجرای حملات خود از اماکنی مانند پایگاه‌های هوایی تیاس و شعیرات در حمص و پایگاه الکسوه در جنوب دمشق استفاده می‌کند.

حکومت ایران در عراق از عناصر افراطی مرتبط با نیروهای بسیج مردمی عراق، از جمله سازمان کتائب حزب‌الله که به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی تحت تحریم قرار دارد، به طور مستقیم حمایت می‌کند. یگان‌های بسیج مردمی عراق رسما گزارش کارشان را به مشاور امنیت ملی عراق می دهند، اما چندین یگان غیرمنظم آن عملا از سپاه پاسداران نیز اطاعت می‌کنند. گزارش‌های متعددی از ایجاد رعب و وحشت، دستگیری‌های خودسرانه، و ناپدید شدن افراد سنی مذهب توسط شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران وجود دارد. برای نمونه، گزارش شده است که کتائب حزب‌الله ساکنان عرب سنی محلی استان‌های دیالی و بابل را ربوده و مرعوب کرده‌اند و از بازگشت آوارگان داخلی عرب سنی مذهب به خانه‌هایشان جلوگیری کرده‌اند.

رژیم ایران به ارائه حمایت نظامی و مالی از شورشیان حوثی در یمن ادامه می‌دهد. این رژیم از سال ۲۰۱۲ صدها میلیون دلار را صرف این کار کرده است. حمایت ایران از شورشیان به طولانی شدن جنگ داخلی این کشور کمک کرده و شرایط بد یک تراژدی انسانی وحشتناک را، بدتر کرده است. بنا بر اعلام سازمان غیردولتی کودکان را حفظ کنید، جنگجویان حوثی مورد حمایت ایران طبق گزارش‌ها در هدف قرار دادن عمدی ده‌ها بیمارستان در یمن دست داشته‌اند.

فصل هفتم

بهره‌برداری نادرست از محیط زیست و پیامدهای آن برای ایران

پیش‌گفتار

فساد و سوءمدیریت در بالاترین سطوح رژیم ایران به سال‌ها سوءاستفاده و تخریب محیط زیست در سرتاسر کشور انجامیده است. عدم تمایل رهبران حکومت ایران برای مقابله با چالش‌های فراروی‌شان، که اثر آن در نتیجه خشکسالی و گرمایش تشدید شده است، کشور را به سوی یک بحران زیست‌محیطی پیش می‌برد. نیک‌آهنگ کوثر، یک زمین‌شناس ایرانی که اکنون در تبعید به سر می‌برد، اظهار داشت: «وقتی مردم زمین‌های شان را از دست می‌دهند، همه چیز را از دست داده‌اند و این بدان معنا است که آنها دیگر از هیچ چیز نمی‌ترسند. بحران آب واقعی است و امروز دارد کشور را از بین می‌برد. سیاست‌های کشاورزی و مدیریت آب بسیار بدی وجود دارد. این درست مثل یک بمب ساعتی است.»

دسترسی محدود به آب و کیفیت بد هوا از جمله مهمترین نگرانی‌های امروز بسیاری از ایرانیان است. در حالی که تعداد فزاینده‌ای از مردم به این دشواری‌ها اعتراض می‌کنند، رژیم با توسل به زور به آنها واکنش نشان می‌دهد تا صداهای مخالف را خاموش کرده و اقدامات مفسدانه‌اش را پنهان کند. همان‌گونه که یکی از دانشگاهیان برجسته ایرانی گفته است: «افرادی که در صدر قرار دارند، بیکفایت‌تر و فاسدتر از آن هستند که بخواهند اهمیت بدهند.» در نتیجه، در حالی که مردم ایران از دولت‌شان می‌خواهند اقدامی بکند، اوضاع همچنان بدتر و بدتر می‌شود.

ناکامی رژیم در مقابله با مسائل حساس زیست‌محیطی مانند کاهش به‌طور بالقوه بازگشت‌ناپذیر منابع آبی کشور و آلودگی هوا، ناتوانی آن در واکنش نشان دادن به نیازهای گسترده‌تر مردم خود را آشکار می‌سازد. رژیم ایران در حالی که میلیاردها [دلار] را صرف ماجراجویی‌های پلید خود در خارج از کشور - که عامل آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است - می‌کند، به بنیادی‌ترین نیازها در کشور از جمله توانایی مردم برای نوشیدن آب پاک و تنفس هوای تازه غفلت کرده است. وقتی کنشگران ایرانی برای پرداختن به موضوعاتی که از جمله بنیادی‌ترین موضوعات هر جامعه است، بسیج می‌شوند، مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند، دستگیر می‌شوند، و یا در شرایط مشکوک جان‌شان را از دست می‌دهند.

در آستانه بحران

مردم ایران رنج ناشی از سوءمدیریت زیست‌محیطی این رژیم را به طرق گوناگون احساس می‌کنند، اما دسترسی محدود به آب از جمله بدترین آنها است. بنا بر یک گزارش منتشره در سال ۲۰۱۷ سازمان ملل متحد، کمبود آب در ایران به قدری شدید است که کسب درآمد از طریق کشاورزی دیگر پایدار نیست. ناکامی این رژیم در اجرای سیاست‌های آبی معقول و مناسب موجب شده است تا سفره‌های آب به میزان بالقوه بازگشت‌ناپذیری کاهش پیدا کنند. این سوءمدیریت مداوم با تکنیک‌های ناکارآمد آبیاری، مدیریت آب غیرمتمرکز، ادامه تخصیص یارانه به محصولات کشاورزی با مصرف بالای آب مانند گندم (به لطف هدف انقلابی جمهوری اسلامی برای دست یافتن به خودکفایی در زمینه تولید گندم)، و سدسازی بیش از اندازه، به نمایش گذاشته شده است. پیشینه ایران در زمینه استفاده ناپایدار از آب و پمپاژ آب‌های زیرزمینی، در پی وقوع یک دوره ۱۴

ساله خشکسالی بدتر از قبل شده است. به گفته مدیر مرکز مدیریت خشکسالی و بحران ایران، این وضعیت تقریبا بر ۹۶ درصد از کشور تاثیر گذاشته است.

رژیم ایران آب را به عنوان یکی از مهمترین مشکلات کشور معرفی کرده است، اما در نشان دادن واکنش مناسب به آن ناکام مانده است. رئیس جمهور حسن روحانی گفته است که حکومت ایران به شکایات مردم رسیدگی خواهد کرد و در سال ۲۰۱۵ خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، از دولت خواست تا «تغییرات اقلیمی و تهدیدات زیست‌محیطی مانند بیابانی شدن به ویژه آلودگی گرد و غبار [و] خشکسالی را مدیریت کند.» یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اواخر ماه فوریه در یک سخنرانی عمومی اظهار داشت که آب نقشی کلیدی را در امنیت ملی و منطقه‌ای ایران ایفا می‌کند، اما به رغم این بیانیه‌های عمومی، اقدامات عملی بسیار اندکی برای مقابله با این مشکل انجام شده است.

بحران آب کنونی به هیچ وجه نباید مایه کسی شگفتی باشد. عیسی کلانتری، وزیر پیشین کشاورزی ایران، در سال ۲۰۱۵ هشدار داد که اگر بحران آب حل نشده باقی بماند، ۵۰ میلیون تن (از مجموع ۸۰ میلیون تن) جمعیت ایران طی ۲۵ سال آینده وادار به مهاجرت خواهند شد. گزارش‌ها چنین تخمین زده‌اند که بیش از ۱۶ میلیون ایرانی مناطق روستایی را ترک کرده اند و اکنون در شهرک‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند، این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۱ میلیون نفر بود. دشواری‌های منتج از فقدان آب معمولا در مناطق روستایی، محل سکونت اقلیت‌های قومی و مذهبی بزرگ ایران که همواره منزوی شده و تحت ستم قرار گرفته‌اند، شدیدتر است.

قایق‌های پدالی بر روی بستر خشک و سله‌بسته زاینده‌رود در اصفهان ایران قرار گرفته‌اند. کشاورزان که معیشت‌شان در نتیجه سال‌ها سوءمدیریت منابع آبی توسط رژیم ایران نابود شده است، به شکل فزاینده‌ای در اعتراض به این وضع به خیابان‌ها می‌آیند.

حتی اگر این رژیم یک برنامه سیاست پایدار را برای منابع آبی خود تهیه کند، باز هم احتمال اجرای آن به دلیل فساد گسترده، بسیار اندک است. کافی است به سیاست رژیم ایران در زمینه سدسازی نگاهی بیاندازیم. رژیم ایران از سال ۱۹۷۹ تاکنون در حدود ۶۰۰ سد، یا به طور متوسط سالانه ۲۰ سد، ساخته است. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، می‌بینیم که ایران پیش از انقلاب هفت سد قدیمی و ۱۴ سد پیشرفته داشت. با این که روشن نیست چه مقدار پول صرف پروژه‌های سدسازی شده است، اما گمان می‌رود که بخش اعظم این پول‌ها جیب‌های وابستگان به سپاه پاسداران را پر کرده باشد. عبدالله عبداللهی، فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا که بازوی مهندسی سپاه پاسداران است، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۷ گفت که ۶۲ سد، یعنی نیمی از ظرفیت سدسازی ایران، به وسیله نهاد تحت نظر او ساخته شده بود. بسیاری از این سدها به دلیل برنامه ریزی ضعیف و سال‌های سال خشکسالی، غیرقابل استفاده مانده‌اند. حتی در بسیاری از موارد این سدها در واقع موجب بروز آسیب‌های بیشتر زیست‌محیطی و از دست دادن آب به شدت مورد نیاز جوامع به انزوا رانده شده - که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در حاشیه زندگی می‌کنند - شده است.

بسیاری از ایرانیان به دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران به عنوان نمونه‌ای از سوءمدیریت و ناتوانی این رژیم در تغییر وضعیت اشاره می‌کنند. دریاچه ارومیه که زمانی یکی از بزرگترین دریاچه‌های روی زمین بود، اکنون به میزان

چشمگیری کوچک شده است. بنا به گزارش‌ها، رژیم ایران در سال های دهه ۱۹۹۰ کار ساخت چندین سد را در اطراف این دریاچه آغاز کرد و به تدریج منابع آب آن را بیرون مکید. افراد ذینفع در این پروژه‌ها پیمانکاران سپاه پاسداران، افراد نزدیک به وزارت انرژی، و شرکت‌های بزرگ کشاورزی بودند که همگی آنها همزمان با خالی شدن آب این دریاچه ثروتمند شدند. به گفته نشنال جئوگرافیک، دریاچه ارومیه اکنون بیشتر به یک صحنه جنایت شبیه است. از آب‌های زیبای آن که زمانی در شعر پارسی جاودانه شده بودند، اکنون تنها نمک باقی مانده و در نتیجه طوفان‌های شن خفه کننده ایران پر از نمگ شده است.

آلودگی هوا نیز به عنوان یکی از مشکلات بسیار شدید در ایران باقی مانده است. در ماه فوریه سال ۲۰۱۸ مدارس تهران، پایتخت ایران، به دلیل مقدار ذرات خطرناک معلق در هوا که نه برابر بیش از مقدار توصیه شده سازمان بهداشت جهانی بود، به مدت چندین روز تعطیل شدند. برخی از سیاستمداران حتی پیشنهاد جابه‌جایی پایتخت را به دلیل آلودگی هوای تهران مطرح کردند. در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۸ محسن پورسیدآقایی، معاون مدیر ترابری و ترافیک شهرداری تهران، گفت که آلودگی هوای این شهر سالانه ۲.۶ میلیارد دلار برای ایران هزینه دربر دارد. بنا بر یک گزارش سال ۲۰۱۶ بانک جهانی، شهرهای زابل، بوشهر، و اهواز، از جمله آلوده‌ترین شهرهای جهان هستند. اهواز در بیشتر طول سال زیر یک دوده زردرنگ پوشیده شده است و ساکنان این شهر از بیماری‌های تنفسی و پوستی رنج می‌برند. طوفان‌های شن و گردوغبار که به ویژه خوزستان را به شدت هدف قرار می‌دهند نیز یک مشکل دیگر هستند که در اثر خشک شدن آب های سطحی شدت می‌یابند و به این ترتیب مصائب یک جمعیت رنج کشیده را به مراتب بدتر می‌کنند. هزینه اقدامات زیانبار زیست‌محیطی این رژیم تنها بر دوش ایرانیان و سرزمین آنها نیست – آلودگی هوا حد و مرز ندارد.

اعتراضات مردم ایران

در مجموع، سیاست‌های زیست‌محیطی با اجرای ضعیف، فساد گسترده حکومتی، و یک واکنش بیهوده از سوی رژیم، زندگی و معیشت میلیون‌ها نفر را زیر و رو کرده و موجب بروز اعتراضات در سرتاسر کشور شده است. این اعتراضات عمدتا در شهرهای اطراف مرکز اصفهان و غرب استان خوزستان مستقر بودند. مرکز حقوق بشر در ایران (سی‌اچ‌آرآی) که یکی از سازمان‌های غیردولتی برجسته است، گفت که شهرها و روستاهای اطراف اصفهان به قدری از بابت خشکسالی و تغییر مسیر آب ضربه خورده‌اند که بسیاری از آنها حالا خالی از سکنه هستند. در سال ۲۰۱۳ خشم ناشی از برنامه‌های حکومت برای تغییر مسیر آب از اصفهان، به درگیری [مردم] با پلیس انجامید. یک سال بعد اتاق بازرگانی اصفهان گزارش داد که خشک شدن حوزه رودخانه زاینده‌رود در حدود دو میلیون کشاورز را از کسب درآمد محروم کرده است. تظاهرات کشاورزان در شهر قهدریجان در نزدیکی اصفهان در ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ پس از آن که نیروهای امنیتی به سوی جمعیت آتش گشوده و دست کم پنج نفر را به قتل رساندند، به خشونت کشیده شد. در ماه مارس سال ۲۰۱۸ ده‌ها کشاورز اصفهانی در یک انکار مسالمت‌آمیز و نیرومند جمهوری اسلامی، پشت خود را به خطیب نماز جمعه کردند.

تراکتورهایی که در جریان اعتصاب کشاورزان ایران بی‌حرکت در جای خود متوقف شده‌اند.

خوزستان، یک استان نفت‌خیز با جمعیت بزرگی از عرب‌تباران، از بیابانی شدن در مقیاس گسترده، زباله‌های صنعتی، و پروژه‌های افراطی سدسازی که به گفته بسیاری از افراد صرفا برای منفعت رسانی به پیمانکاران سپاه پاسداران اجرا می‌شوند، رنج می‌برد. به تازگی اهواز، مرکز استان خوزستان، صحنه اعتراضات گسترده بوده است. از جمله شعارهای تظاهرکنندگان در بیرون دفتر فرمانداری این استان در ماه فوریه ۲۰۱۸ می توان به «اهواز شهر ما است، هوای پاک حق ما است» و [شعاری با مضمون] «تنفس، تنفس، تنفس، این کمترین حق ما در جهان است» اشاره کرد. یکی از شکایت‌های همیشگی اهوازی‌ها این بوده است که مسیر آب آنها به سوی پروژه‌هایی که سود آن به جیب شرکت‌های کشاورزی مرتبط با رژیم می‌رود، منحرف می‌شود. صدها شهروند اهوازی به خیابان‌ها آمده‌اند تا به سوءاستفاده رژیم از زمین و آب‌شان اعتراض کنند. بسیاری از آنها دستگیر شده‌اند و گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن تظاهرکنندگان توسط نیروهای امنیتی نیز دریافت شده است.

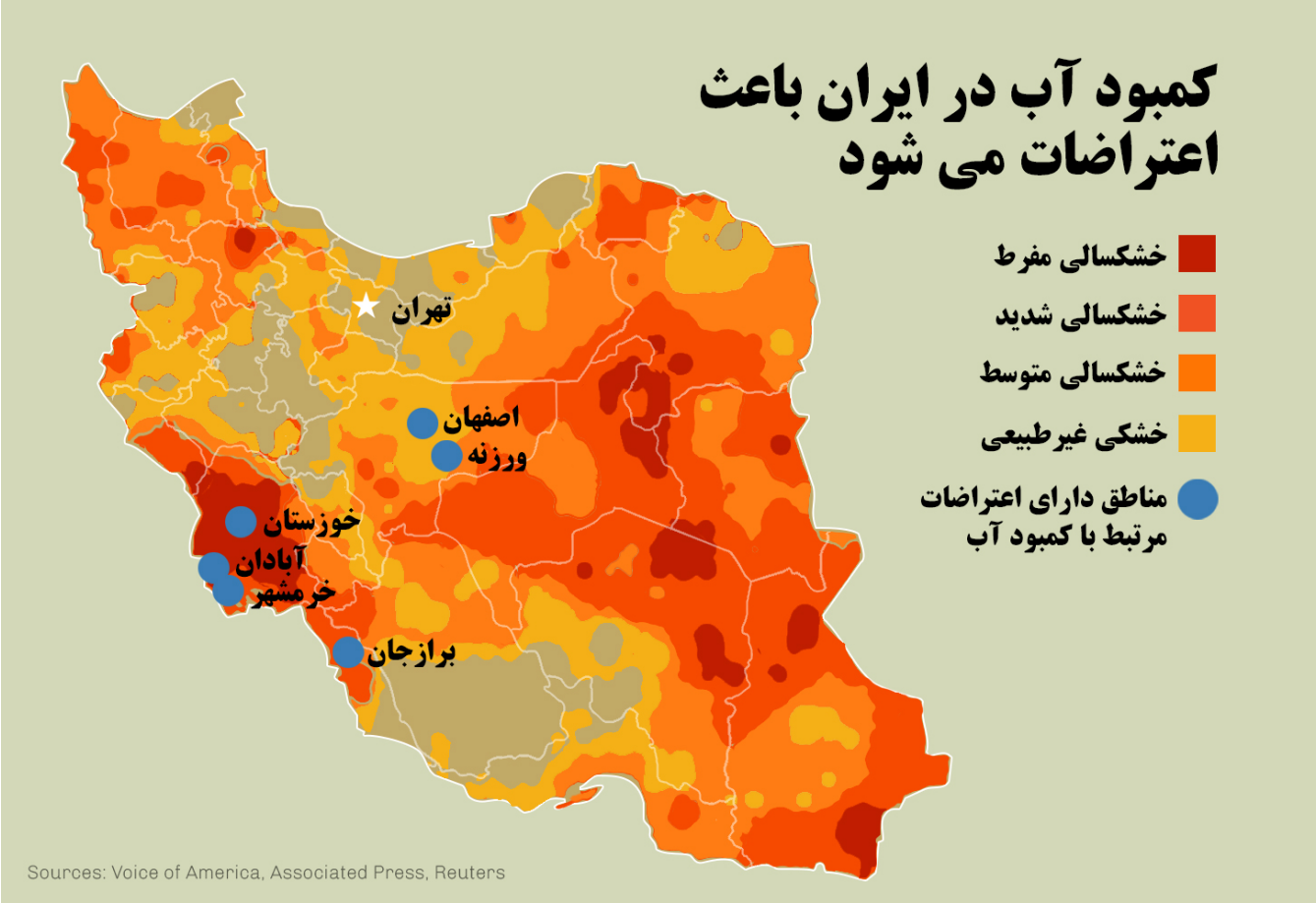

در ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ تظاهرات در خرمشهر، یکی از شهرهای استان خوزستان، به خشونت کشیده شد و طبق گزارش‌ها دست‌کم یک تظاهرکننده هدف تیراندازی قرار گرفت. درگیری‌ها با نیروهای امنیتی به دنبال چندین هفته کمبود آب روی داد که در نتیجه آن مردم منطقه هیچ‌گونه دسترسی به آب پاکیزه نداشتند. بنا به گزارش‌ها، منابع آبی محلی به خاطر شوری بی از حد و گل‌آلود بودن آن قابل آشامیدن نبودند و در نتیجه صدها تن بیمار شدند. به گزارش خبرگزاری مهر، آب خرمشهر حتی برای پخت و پز و یا رختشویی هم بسیار آلوده بود. مردم ناچار بودند تا آب را یا از بازار سیاه خریدای کنند و یا زیر گرمای داغ و طاقت‌فرسا در صف بایستند و منتظر آمدن تانکرهای آب شوند. تظاهرکنندگان در یک مقطع شعار می‌دادند که مقامات حکومتی «بی‌مصرف» بودند و [نقل به مضمون] «ما را به نام دین غارت کردند.» یک مفسر سیاسی ایرانی در مطلبی در رسانه‌های اجتماعی با جمع بندی این

کلافگی و ناامیدی نوشت: «مردم خرمشهر و آبادن تا کی باید فریاد بی‌آبی سر بدهند؟ خرماستان‌های آنها نابود شده‌اند. تالاب‌هایشان خشک شده است و گرد و غبار گلوی‌شان را زخم کرده است. آنها کنار سه رودخانه آب شیرین زندگی می‌کنند و با این حال، مجبورند آب آشامیدنی را بخرند.»

رژیم ایران کنشگران زیست‌محیطی را هدف قرار می دهد

در حالی که ایرانیان به شکل فزاینده‌ای از گستره مشکلات زیست‌محیطی کشور آگاه می‌شوند، رژیم ایران سازمان‌هایی که در جهت مقابله با [این مشکلات] فعالیت می‌کنند را سرکوب کرده است. کاووس سید امامی، یک ایرانی-آمریکایی که استاد دانشگاه و مدیر بنیاد میراث حیات‌وحش ایران بود، در اواخر ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ به همراه ده‌ها تن دیگر از کنشگران زیست‌محیطی دستگیر شد. سید امامی که به جاسوسی برای ایالات متحده و اسرائیل متهم شده بود، کمی بعد در بازداشت و در شرایط اسرارآمیزی جان سپرد که مقامات رژیم ایران مرگ او را در نتیجه خودکشی دانستند. در ماه مه ۲۰۱۸ بیش از ۴۰ تن از کنشگران زیست‌محیطی، جنگل‌بانان، و خویشاوندان‌شان که بسیاری از آنها از افراد وابسته به بنیاد میراث حیات‌وحش ایران بودند، در چهارچوب بخشی از کارزار سرکوب این رژیم دستگیر شدند. بیشتر این افراد به صورت ناعادلانه در بازداشت به سر می‌برند و یا کشته شده‌اند که این هشداری است برای همه کسانی که زمانی در این عرصه نسبتا ایمن و فارغ از سیاست‌زدگی کار می‌کردند.

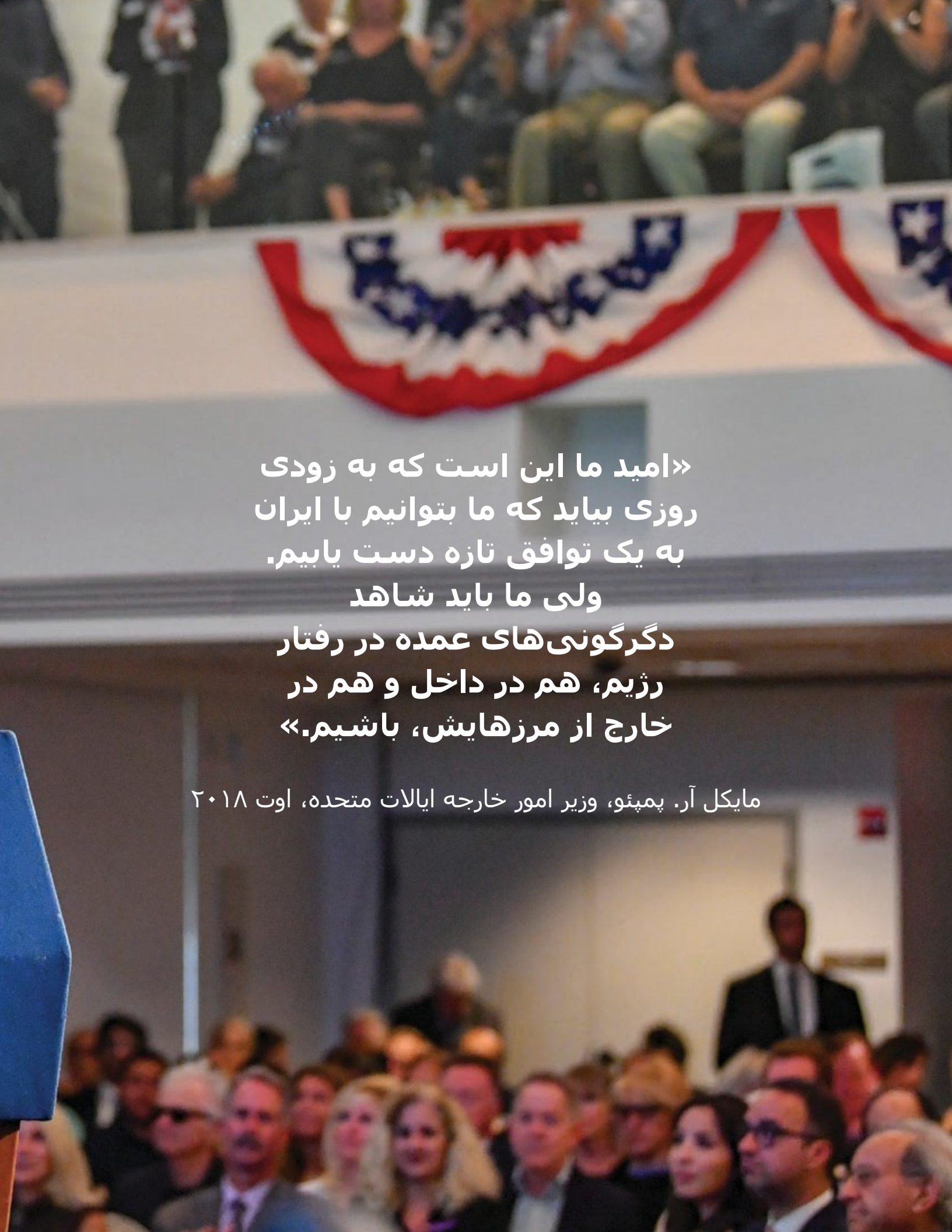

«امید ما این است که به زودی روزی بیاید که ما بتوانیم با ایران به یک توافق تازه دست یابیم. ولی ما باید شاهد دگرگونی‌های عمده در رفتار رژیم، هم در داخل و هم در خارج از مرزهایش، باشیم.»

مایکل آر. پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، اوت ۲۰۱۸

این گزارش توسط گروه اقدام ایران تهیه شده است.

وزارت امور خارجه ایالات متحده | **state.gov**

این ترجمه جهت رفاه خواننده ارائه شده است و فقط باید متن اصلی انگلیسی را معتبر دانست.